

# مرکز

## ارگان مرکزی حزب توده ایران

# انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر - تحول بنیادی در سیاست جهانی

با پیروزی انقلاب اکتبر دوران نوینی در سیاست بین المللی آغاز شد. دولت سوسیالیستی شوروی بر پایه تئوری مارکسیسم-لنینیسم اصول جدیدی را در زمینه سیاست خارجه مطرح ساخت

که مبین آسما توده های زحمتکش برای عدالت اجتماعی و برای پایان دادن به جنگهای امپریالیستی و زورگویی بود. افشاء بیرحمانه سیاست تراریسم و بوژوازی روسیه، افشاء ماهیت امپریالیسم و ماهیت غارتگرانه جنگهای امپریالیستی، افشاء دیپلماسی مزورانه دولتهای سرمایه داری، پشتیبانی از صلح دموکراتیک و عادلانه، مخالفت با الحاق

اراضی دیگران و با غرامات جنگی، اعلام اصل برابری و حق خاکدست همه ملتها که در نخستین سند دولت نوزاد شوروی مطرح گردید حاکی از آن بود که در مقابل امپریالیسم یک نیروی نوین انقلابی در سیاست جهان پدید آمده است. با استقرار دولت سوسیالیستی شوروی تضاد

بقیه در صفحه ۶

## پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران مناسبت اول ماه مه - جشن همبستگی جهانی کارگران

کارگران و زحمتکشان ایران!  
سواهران و برادران عزیز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران جشن اول ماه مه، جشن همبستگی کارگران و رژه پرشکوه نیروی پرتوان کارگری جهان را اضمحیم قلب بهمه شما شادباش میگوید و برای شما کامیابی در کار و مبارزه را آرزومند است.

طبقه کارگر ایران همیشه در تاریخ اخیر کشور ما نقش مترقی و مؤثری داشته است و این نقش در آینده از گذشته نیز بیشتر خواهد شد زیرا طبقه کارگر ایران از جهت کمی و کیفی در حال رشد دائمی است. کارگران ایران دارای سنتها و تجارب طولانی مبارزه در راه صلح و ترقی علیه استثمار و ارتجاع بسود حقوق حقه خود، بسود رهائی اجتماعی از یهودوسوم کهنه و قرون و سطانی و پیدایش ایرانی آزاد و آباد هستند. رژیم موجود میکوشد بشرب عوامفریبیهای کارگری و بکلمک دستگه دوزخی سازمان امنیت کارگران ایران را از این سنت انقلابی دور سازد و آنها را به افزار سیاسی خویش مبدل گرداند. ولی این خیال باطالی است. کارگران ایران همیشه ثابت کرده اند که ش طبقاتی در آنها قوی و شور مبارزه در آنها نیرومند است و به تشخیص دوست از دشمن، راه از چاه تازند. زیرا پیشرو طبقه کارگر ایران مکتب بزرگ حزب براه ایران و سازمانهای توده ای، مکتب شورای متحده مرکزی و سازمانهای سندیکالی واقعی را گذاشته اند و مبارزات دامنه دار طبقه کارگر جهان و دستاوردهای جنبش انقلابی کارگری و کامیابیهای حیرت انگیز کشورهای سوسیالیستی را که در آن خاکدست کارگری پیروز شده است به چشم می بینند. تردیدی نیست که آینده متعلق بکارگران ایران است. ولی پیروزی بخودی خود و باسانی بکف نمی آید. بدون مبارزه پیروزی نیست. باید غیرمشم مشکلات

فروانی که رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک و استبداد سلطنتی ایجاد کرده اند با در آمیختن حزم و جسارت باداشتن روش سیاسی سنجیده و واقع بینانه ولی انقلابی و سرسخت در راه صلح، استقلال، دموکراسی، ترقی و رفاه عمومی مبارزه کرد و معامله بیکار را نه فقط فروزان نگاهداشت بلکه دمدم شاعرتر ساخت.

کارگران و زحمتکشان ایران!  
یکی از وظائف مقدس طبقه کارگر و کسانیه زحمتکشان در شرایط کنونی افشاء تجاوز پاید امپریالیسم امریکا به ویتنام و پشتیبانی از نبرد عادلانه و مقدس این خلق دلاور است. شکست امپریالیسم امریکا در ویتنام شکست مرتجع ترین و هارترین و متجاوزترین بخش سرمایه داری جهانی است و منجر به تقویت بیش بقه در صفحه ۶

## پیرامون توسعه روابط اقتصادی ایران با کشورهای سوسیالیستی

یکسازه قرارداد های دیگر است در جریان مسافرت اخیر با بیاکف معاون وزیر بازرگانی اتحاد شوروی بایران مسئله شرکت اتحاد شوروی در اکتشاف و استخراج نفت در مناطق آزاد، ایران بررسی شد و مذاکرات مقدماتی در باره آن صورت گرفت و قرار شد پیشنهاد های مشخصی در این زمینه تنظیم شود و برای عملی ساختن آنها اقدام کرد. اتحاد شوروی آمادگی خود را برای کمک به تنظیم و اجرای طرحهای برنانه های عمرانی و صنعتی پنجساله چهارم اعلام کرده است.

یک میلیارد دلار اعتبار و سالی ۵۰۰ میلیون دلار مبادله بازرگانی

بدینسان دامنه همکاری اقتصادی و روابط بازرگانی میان ایران و شوروی گرایش آشکاری در جهت رشد روز افزون از خود نشان میدهد. ارزش اعتباراتی که دولت اتحاد شوروی برای احداث مؤسسات صنعتی و کمک به برنامه های عمرانی در اختیار دولت ایران گذارده هم اکنون تقریباً به یک میلیارد دلار رسیده است. حجم مبادلات بازرگانی میان دو کشور در موافقتنامه ای که اخیراً برای مدت پنجسال باصضا رسیده ۵۴۰ میلیون دلار مین شده است. ولی پائولوچف وزیر بازرگانی اتحاد شوروی ضمن مصاحبه با نمایندگان بقیه در صفحه ۲

بمناسبت نهمین سالگرد رفیق شهید خسرو روزبه عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران



از خسرو روزبه طریقه جاننازی و وفاداری به آرمان خویش را بیاموزیم. بگذار چهره پر فروغ وی خلق ما را در بیکار مقدسش الهام بخشد. «از مقدمه بر دفاعیه خسرو روزبه»

## روشی که به زیان جنبش دانشجویان ایرانی است

چنانکه خوانندگان گرامی و بویژه دانشجویان اطلاع دارند طبق موافقتنامه ای که بین نمایندگان سازمان دانشجویان دانشگاه تهران و کنفدراسیون (پراگ - ۱۴ نوامبر ۱۹۶۶) به امضا رسید نهمین کنگره اتحادیه بین المللی دانشجویان (اولان باتور ۲۶ مارس - ۸ آوریل) میبایست مسئله عضویت کنفدراسیون را در اتحادیه بین المللی دانشجویان بر اساس این موافقتنامه حل کند و حل کرد. ولی روشی که هیئت نمایندگی کنفدراسیون در پیش گرفت و عواقب نامطلوبی که این روش به بار آورد، و اگر این روش ادامه یابد در آینده بیشتر به بار خواهد آورد.

این چند نفر را آزاد کرده اند ( و گروه زیادی از شهرداران و سازمان های اداری محلی - تعدادی از زنان از جمله آنها، آناسالو، دبیر اتحادیه قربانیان فاشیسم با بچه ۴ ساله اش و عده کثیری از نویسندگان هنرمندان و پارتیزانهای ضد فاشیست در دوران اشغال یونان و همچنین پالیاندرو رهبر حزب متحده مرکزی، و نخست وزیر اسبق که شخصیت ملی دارد، جزء بازداشت شدگانند. در یک کلام تمام عناصر مترقی سرافراز از عقاید خاص سیاسی آنها هدف حمله ارتجاع خراب و حامی و الهام دهنده آنها امپریالیسم امریکا قرار گرفته اند طبق آخرین اخبار تعداد بازداشت شدگان به ۱۵ هزار نفر رسیده است.

### ماهیت کودتا

بطوریکه معلوم است در سال ۱۹۶۴ حزب ارتجاعی دست راست در جریان انتخابات شکست خورد و اکثریت مطلق خود را با زلمانی از دست داد و حزب متحده مرکزی بر رهبری پالیاندرو با پشتیبانی حزب متحده موفقیت بهتری بدست آورد. این پیروزی از تشکیل میشود و چند نفر هم از حزب دولتی راست

چنانکه خوانندگان گرامی و بویژه دانشجویان اطلاع دارند طبق موافقتنامه ای که بین نمایندگان سازمان دانشجویان دانشگاه تهران و کنفدراسیون (پراگ - ۱۴ نوامبر ۱۹۶۶) به امضا رسید نهمین کنگره اتحادیه بین المللی دانشجویان (اولان باتور ۲۶ مارس - ۸ آوریل) میبایست مسئله عضویت کنفدراسیون را در اتحادیه بین المللی دانشجویان بر اساس این موافقتنامه حل کند و حل کرد. ولی روشی که هیئت نمایندگی کنفدراسیون در پیش گرفت و عواقب نامطلوبی که این روش به بار آورد، و اگر این روش ادامه یابد در آینده بیشتر به بار خواهد آورد.

## کودتای مونا رگو فاشیستی در یونان

سهرگهان ۲۱ آوریل بار دیگر سایه مرکبار تووز، حبس و تبعید پرکشور باستانی یونان گسترده شد و اسکوت اختناق آور کودتای مونا رگو فاشیستی همراه با آهنگ نفرت انگیز رگبار مسلسلها برضامت یونان مستولی گردید. هنگامیکه زره پوشها و تانکها شهر و مراکز حساس آن را محاصره کردند، ارتباط یونان با جهان بریده شد و سپس شکار انسانها آغاز گردید. مائولیس که روس قهرمانیکه هنگام تسلط فاشیسم بر یونان بر یونان، رژیم فاشیسم را دلیرانه از بالای آکرولیس پائین کشید و در هم پیچید، یکی از هزاران نفر کستانی است که بچرم آزادیخواهی و استقلال طلبی باز داشت و برای سومین بار در دادگاه های نظامی بمرگ محکوم گردیده است. بار اول هیتلر آنها، بار دوم فاشیستهای یونان و اینک کودتاجانان او را بمرگ تهدید میکنند. از سال ۱۹۴۸ تا سال ۱۹۵۴ زندانی بود و پس از رهائی در سال ۱۹۵۹ مجدداً

بقیه از صفحه ۱

### توسعه روابط اقتصادی ایران

#### با کشورهای سوسیالیستی

مطبوعات ایران گفت: «حجم مبادلات ایران و شوروی خیلی بیش از میزانی است که در موافقتنامه پیش بینی شده است. زیرا براساس قرارداد های دیگری که در دست انتقاد داریم و باحتمالاً منعقد خواهد شد مبادلات جدیدی بین دو کشور برقرار میشود که احتمالاً تا چند سال دیگر میزان مبادلات به ۵۰۰ میلیون دلار خرسال خواهد رسید» (اطلاعات ۱۳ اسفند ۱۳۴۵). مطبوعات کشور ضمن ارزیابی موافقتنامه بازرگانی ایران و شوروی نوشتند که این موافقتنامه از نظر حجم مبادلات تجاری بزرگترین موافقتنامه است که تاکنون ایران با یک کشور خارجی امضاء کرده است. این موافقتنامه از نظر استروکتور و ترکیب کالا های صادراتی ایران در نوع خود بیسابقه است زیرا بموجب این موافقتنامه بیش از یک سوم کالا های صادراتی ایران کالا های صنعتی ساخت ایران است که ارزش آنها تقریباً به صد میلیون دلار میرسد.

توسعه روابط اقتصادی با سایر کشورهای سوسیالیستی نیز یک سلسله قرارداد های اقتصادی و بازرگانی مهم با ایران منعقد ساخته اند.

چکوسلواکی، لهستان، افغانستان، مجارستان، رومانی و یوگوسلاوی هر یک اعتباری معادل دهها میلیون دلار بایران داده اند که از محل آن ایران میتواند انواع کارخانه ها و ماشینها و تجهیزات صنعتی وارد کند و بهای آنها را با تحویل نفت و کالا های صنعتی و کشاورزی خود بپردازد. بدینسان کشور های سوسیالیستی براساس پایداری یعنی بدون دریافت یک دلار ارز به امر صنعتی کردن ایران کمکهای مؤثر میکنند و در عین حال برای کالا های صادراتی ایران بازار مطمئن و بسیار پرفرصه ای عرضه میدارند که استفاده از آن بنوبه خود رشد تولید داخلی ایران را تسریع میکند.

توسعه همکاری اقتصادی و بسط روابط بازرگانی با کشورهای سوسیالیستی و دردرجه اول با اتحاد شوروی همسایه بزرگ شمالی ما علاوه بر تسریع رشد اقتصادی و تسریع اجرای برنامه های عمرانی - کشف منابع جدید ثروت را نیز در پی دارد.

مثلاً در صورت عملی شدن شرکت کارشیمان شوروی در اکتشاف و استخراج نفت و معدنیات دیگری که بعد کافی در ایران وجود دارد منابع ثروت جدیدی مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت که از نظر ارزش و اهمیت با منابع نفت جنوب و ۵۰۰ میلیون دلار عوایدی که کنسرسیوم غارتگر نفت بایران میپردازد قابل قیاس نخواهد بود.

توسعه روابط و محافل امپریالیستی

بازرگانی و توسعه همکاری اقتصادی ایران با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و بخصوص آمادگی این کشورها برای خرید نفت خام از ایران و از آنهم مهمتر آمادگی اتحاد شوروی برای شرکت در اکتشاف و استخراج نفت منجماً نمیتواند در محافل امپریالیستی و نفتخواران جهانی بی تأثیر باشد زیرا توسعه روابط اقتصادی ایران با کشورهای سوسیالیستی بیشتر شود از لحاظ نسبی در اقتصاد ایران سهم کمتر و زمینهای کمتری برای فعال مایشانی و تسلط اقتصادی انحصارات امپریالیستی باقی میماند. باادایه افزایش حجم این روابط امکان مبارزه و مقابله اقتصادی ایران با این انحصارات بیشتر میشود و تغییرات کمی در این زمینه تاگزیر امکان پیدایش تغییرات کیفی را افزایش میدهد.

این مطلب را دول امپریالیستی و در درجه اول دولت آمریکا بخوبی درک میکنند. مطبوعات رسمی ایران بمثل مختلف و با انگیزه های گوناگون به «نگرانی» محافل امپریالیستی استناد می کنند. مثلاً مجله روشنفکر ضمن اشاره باین مطلب مینویسد:

«مقامات واشنگتن پس از عقد قراردادهای اخیر ایران و شوروی و بخصوص عقد قرارداد خرید اسلحه بهیچوجه قادر به مخفی کردن ناراحتی خود از این قراردادها نیستند. مطبوعات آمریکا ... هنگامیکه که باتولینچ وزیر بازرگانی خارجی شوروی در تهران اقامت داشت همه حواس و توجه خود را معطوف به مذاکرات او با مقامات ایرانی کرده بودند.»

روزنامه کیهان نیز به شیوه خود «نگرانی» محافل واشنگتن را منعکس کرده است. این روزنامه در شماره ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۶ خود ضمن اشاره به «عصبانیت و نگرانی» امریکایی ها در این زمینه و اینکه امریکایی ها «ناچارند این عصبانیت و نگرانی را حتی الامکان مکتوم نگاهدارند» مینویسد این نگرانی «از چند موضوع ناشی شده و سرچشمه گرفته است که مهمتر از همه توسعه روابط سه کشور متحد آن کشور در سازمان پیمان سنتو با شوروی است. سه کشور متعلقه ای عضویتو یعنی ایران، ترکیه و پاکستان طی چند سال اخیر هر یک قرارداد های مهمی با دولت شوروی و سایر دول اروپای شرقی منعقد ساخته اند که چشم گیر تر از همه عقد قرارداد های اقتصادی و فنی ایران با شوروی، فروش گاز، امور سد سازی و ایجاد کارخانه های ماشین سازی و ذوب آهن و بالاخره خرید یکصد و ده میلیون دلار اسلحه میباشد. اگر چه مقامات امریکایی در اظهار نظر های رسمی خود این اقدام دولت ایران را یک امر مربوط به خود این کشور میدانند اما مطبوعات آمریکا و گاهی هم نمایندگان آن کشور از ابراز نگرانی خودداری نکرده اند.»

«روابط دوستانه» با تاراجگران امپریالیستی؟

های سوسیالیستی امکان تضعیف مواضع اقتصادی انحصارات و لطمه به تسلط اقتصادی امپریالیسم را در پی دارد. و اما شاه و سایر مقامات رسمی ایران بطوریکه اظهارات اخیر آنها نشان میدهد سعی دارند هیچگونه زمینه ای برای بروز این قبیل نگرانی ها باقی نگذارند. از پی هر یک از این ابراز «نگرانی» ها مقامات رسمی ایران بطور مستقیم یا غیر مستقیم میکوشند خاطر محافل امپریالیستی را آسوده نگاهدارند و با آنها اطمینان بدهند که با وجود توسعه همکاری اقتصادی و روابط بازرگانی با کشورهای سوسیالیستی هیچگونه لطمه ای به منافع غارتگرانه کشورهای امپریالیستی در ایران وارد نخواهد آمد و انحصارات امپریالیستی از این پس نیز نمیتواند با خیال راحت تاراجگریهای خود را در عرصه اقتصاد ایران ادامه دهند. یونان پدیس با استناد به اظهارات مقامات رسمی ایران مینویسد: «منابع عالیترتبه سیاسی ایران اظهار داشتند که نزدیکی ایران و شوروی با بهیچوجه سبب نخواهد شد که مناسبات آن کشور با غرب به سردی گراید و افزونند ایران که بیش از یک هزار میلیون دلار از ایالات متحده کمک دریافت کرده است همچنان عضو پیمان سنتو خواهد بود و میسبون نظامی آمریکا همچنان به کار تعلیم دادن ارتش و پلیس ایران ادامه خواهد داد. چند روز پس از انتشار این خبر یونان پدیس، جراند کشور مصاحبه های شاه را بخبر روزنامه المنار بغداد و روزنامه های دیگر انتشار دادند که در آن شاه بار دیگر تصمیم خود را به ادامه عضویت در بلوک امپریالیستی سنتو اعلام کرد و افزود که ایران براساس سیاست مستقل ملی، با جهان غرب و همچنین با همسایه بزرگ خود شوروی روابط دوستانه دارد. البته هیچکس نمیگوید که چون ایران روابط اقتصادی خود را با کشورهای سوسیالیستی توسعه میدهد پس باید مناسبات خود را با کشورهای امپریالیستی سرد کند، با آنها «روابط دوستانه» نداشته باشد. ولی آیا خصلت روابط کنونی ایران با کشورهای امپریالیستی و در درجه اول با آمریکا با روح زمان ما و با منافع حیاتی کشور و مردم ما مطابقت دارد؟ این روابط در صورتی جوابگویی مصالح ملی ما میشود که بر پایه برابری و رعایت حداقل منافع متقابل مبتنی باشد. اگر این روابط چنین خصالتی میداشت آنوقت شاه ودولت حق داشتند که در عین توسعه روابط خود با کشورهای سوسیالیستی در حفظ این روابط و در جلوگیری از سردی آن بکوشند. ولی خصلت کنونی روابط ایران با کشورهای امپریالیستی و کوشش برای حفظ این روابط جز خیانت آگاهانه بمصالح ملی مردم ایران عنوان دیگری نمیتواند داشته

باشد. در تمام سالهای پس از کودتا روابط اقتصادی کشور های امپریالیستی با ایران وسیعترین دامنه را داشته است. از سال ۱۳۳۳ تا سال ۱۳۴۵ ایران بابت درآمد نفت قریب ۴ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار از طریق وامهای مختلف بیش از ۱ میلیارد و از طریق صادرات نزدیک به ۵ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار ارز دریافت کرده است. یعنی در ظرف ۱۳ سال درآمد ارزی ایران در حدود ۷۵ میلیارد دلار بوده است. در طول این سالها واردات ایران از کشورهای امپریالیستی بقدر مداوم در جهت افزایش سیر کرده و به ۶ - ۷ برابر صادرات ایران بآن کشورها رسیده است. مبادلات بازرگانی ایران باین کشورهای مبتنی بر هیچ قرارداد و موافقتنامه ای نبوده و کشورهای امپریالیستی وارد کننده کالا هیچگونه تمهیدی برای صدور متناسب کالا از ایران نداشته اند و کارشان تنها منحصراً به خارج ساختن ارز از کشور بوده است. طی این سالها علیرغم آنکه درآمد نفت ما هر سال روز فزونی رفته در نتیجه عدم تعادل بازرگانی تمام درآمد نفت باضافه تمام ارز دریایی بابت صادرات همراه با مبالغ هنگفتی قرض - برای جبران کمبود ناشی از فزونی واردات و صادرات بر صادرات پرداخت شده است. و اما خصلت واردات کالا های کشور های امپریالیستی واستروکتور واردات این کالاها برهمکنان آشکار است. این کالاها بطور عمده اشیاء مصرفی که نظائر آن در ایران هم تولید میشود و یا امکان تولید آن بوده و نیز کالا های تجملی لوکس و مقایز هنگفتی اجناس بیچل بوده است. کالا های که برای رفع نیازمندیهای واقعی تولیدی و احداث صنایع و حتی صنایع سبک ضروری بوده در قیاس با کالا های غیر ضروری نسبت ناچیز داشته است. آنچه که بخصوص خصلت ضد ملی این واردات را نشان میدهد ارز هنگفتی است که برای خرید اسلحه و مهمات بمصرف رسیده است. از این ۷۵۰ میلیارد دلار طبق اعتراف روزنامه امریکائی هارلتربیرون «امریکا تاکنون بهیزان نزدیک به ۲ میلیارد دلار اسلحه به ایران تحویل داده است» (به نقل از روزنامه اطلاعات شماره ۴ اسفند ۱۳۴۵). «کمکهای نظامی بلاعوض آمریکا بایران فقط بخش کوچکی از این ۲ میلیارد دلار را تشکیل میدهد. بقیه باپرداخت از خریداری شده است. بدینترتیب در ظرف ۱۳ سال ۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار ارز گرانبها به کاوشمندیهای انحصارات امپریالیستی سرارزیر شد و در پایان ۱۳ سال امر خطیر و حیاتی صنعتی ساختن کشور اندر خرم همان کوجه اول باقی مانده بود و اگر مردم ایران با مبارزات بیستگنر خود و کشور های سوسیالیستی در هر دو سیاست صاحبوستانه و پیروی از سیاست اصولی همزیستی مسالمت آمیز خود برای برقراری و توسعه روابط اقتصادی با ایران بمیدان نیاورده بودند مسلماً تاکنون گامی در این راه برداشته نشده بود. با این توصیف است که زمامداران ایران هنوز هم جهد دارند در عین توسعه روابط اقتصادی خود با کشورهای سوسیالیستی روابط خود را با کشورهای امپریالیستی و با انحصارات غارتگر آنها «دوستانه و گرم» نگاهدارند. آنوقت به این تمایل و به این بوجدوچهد نام «سیاست مستقل ملی» داده میشود.

و این در شرایطی است که اوضاع و احوال کنونی جهان و تغییر تناسب قوا در عرصه بین المللی مساعد ترین امکانات را برای اتخاذ سیاست واقفا ملی و واقفا مستقل در اختیار کشورهای در حال رشدی چون ایران گذارده است.

آرزوی ملی و توهمات امپریالیسم

مانند شته بر سرارور ترین شاخه های اقتصاد ایران لانه کرده و عصاره حیاتی آنرا میمکنند ایران احتیاج به تأمین آهننگ رشد سریع دارد تا بتواند در مدتی کوتاه به عقب ماندگی دربرین و موهن خود در زمینه اقتصادی پایان دهد. شرایط عینی جهان کنونی برای تحقق این آرزوی ملی ایران را از جهت مساعد است. ولی علاوه و لجاج رژیم کنونی به حفظ پیوند های خود با کشورهای بزرگ امپریالیستی و بویژه با امپریالیسم امریکائی مانع تحقق این آرزوی ملی است. امپریالیستهای امریکائی با تمام قوا میکوشند درآمد ایران از محل نفت و سایر درآمد های ارزی ایران به دلار برای هدفهای اساسی رشد اقتصادی ایران بصورت نرسد. برای اینکار هم اهرمهای مطمئن بصورت کنسرسیوم نفت و نگاهداری ایران در بلوک تجاوز کار امپریالیستی سنتو و قرارداد نظامی حوزانه با امریکا و مبادلات تجاری مبتنی بر سیاست

در های بازو معاف از عند موافقتنامه های بازرگانی در اختیار دارند و از این اهرمها برای پیشرفت مقاصد استعماری خود حداکثر استفاده را بعمل میآورند. مکنانما وزیر دفاع امریکائی چندی پیش در مجلس نمایندگان امریکائی بدون هیچ برده پوشی مقاصد امپریالیستی امریکائی و توغات استعمارگرانه خود از رژیم ایران را فاش ساخت. و صریحاً گفت: «ایران پیشرفتهای اقتصادی قابل ملاحظه ای بدست آورده. باینجهت ما از کمک خود به ایران کاسته ایم و قصد داریم در آینده باز هم از آن بکاهیم. ما امیدواریم که کشورهای خاورمیانه بتوانند منابع خود را بین مصارف نظامی و مصارف اقتصادی ... برستی» «برستی» «کاملآ آشکار است که مکنانما از تقسیم «درست» منابع ایران بین مصارف نظامی و مصارف اقتصادی چه چیزی را در نظر دارد.

تقابل به ارضاء خواستهای غار نگران

برای گرم نگاهداشتن «و حفظ روابط دوستانه» سابق با «جهان غرب» تا کاید میکنند. اینک شاه نازم امریکائیست و در آنجا دو روز بطور رسمی با چانسون ملاقات خواهد کرد. طبیعتاً است که در این ملاقات مسئله توسعه روابط ایران با کشورهای سوسیالیستی و بخصوص با اتحاد شوروی نیز مطرح خواهد شد و از کلیه وسائل و امکانات «برای رفع نگرانی» استفاده بعمل خواهد آمد. ولی این مذاکرات هر نتیجه ای را که ببار آورد در اراده مردم ایران برای مبارزه در راه بسط هر چه بیشتر دامنه همکاری اقتصادی و روابط بازرگانی با همسایه بزرگ ما اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی کمترین خللی وارد نخواهد ساخت. هر گامی که برای رفع «نگرانی» امپریالیسم امریکائی در ایران بعمل آید با بیزاری و نفرت از طرف توده مردم ایران محکوم خواهد شد.

خصلت و خصوصیات همکاری اقتصادی و همکاری اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی

این روابط بر خلاف روابط بازرگانی با کشورهای امپریالیستی عمیقاً جوابگویی مصالح حیاتی مردم ایران است زیرا این روابط: ۱ - پایداری است یعنی در مقابل ورود مقدار مبین کالا خرید معادل آن از کالا های داخلی ایران تمهید میشود و از پرداخت ارزی معاف است: ۲ - و اماها و اعتباراتی که کشورهای سوسیالیستی در اختیار ایران میکذارند دارای بهره بسیار نازل است: ۳ - واردات کالا از کشورهای سوسیالیستی شامل ماشین آلات صنعتی و کشاورزی و یا کالا های است که اولاً مورد نیاز مصرفی عموم است و ثانیاً نظائر آن بر در کشور وجود ندارد و یا میزان آن کم است و برای تأمین مصرف داخلی کافی نیست (مانند قند و شکر و غیره). تأمین کمبود این کالا ها از کشورهای دیگر مستلزم پرداخت ارز و مشمول شرایط نامساعد دیگر معمول در مبادلات باین کشور هاست: ۴ - نرخ کالا های وارداتی از کشورهای سوسیالیستی و نیز نرخ کالا های صادراتی بابت کشورهای عادلانه است و در تعیین آن منافع ایران از هر جهت تأمین میگردد: ۵ - هدف اساسی همکاری اقتصادی و روابط بازرگانی کشورهای سوسیالیستی با ایران رفع نیازمندیهای صنعتی و ایجاد بنیاد ملی و فنی لازم برای صنعتی ساختن کشور است. بااینجهت توسعه این روابط برخلاف روابط با کشورهای امپریالیستی نه تنها رشد تولید داخلی را فوج نمیکند و کالا های داخلی را با رقابت کمر شکست مواجه نمیسازد بلکه برعکس استروکتور کالا های وارداتی و صادراتی و همکاری اقتصادی با این کشور ها به رشد اقتصادی و تسریع برنامه های عمرانی و پیشرفت تولید داخلی بطور مؤثر کمک میکند و برای ایران امکان مقاومت در برابر انحصارات غارتگر امپریالیستی بوجود میآورد.

بقیه در صفحه ۷

# خصلت نیم بند اصلاحات ارضی و تشدید تضاد در روستای ایران

بموجب لایحه چهار ماده‌ای وزارت کشاورزی که متن آن اخیراً در جریده تهران انتشار یافته مالکانی که در مرحله دوم اصلاحات ارضی املاک خود را به دهقانان اجاره داده اند، چنانچه مایل باشند میتوانند این اراضی را به دولت بفروشند تا دولت آنرا به اقساط ۱۵ ساله بدهقانان واگذار کند. طبق ارزیابی روزنامه اطلاعات، مساحت قابل ملاحظه دولت نسبت به این عده مالکان آنست که چنانچه بهای املاکشان تا مبلغ (۵۰۰۰۰۰) ریال باشد ۹۵ درصد آن نقد و مازاد بر این مبلغ به اقساط ۱۴ گانه و بهره ۶ درصد از طرف دولت پرداخت میشود. املاکی که ارزش آن بیش از (۵۰۰۰۰۰) ریال باشد تا پانصد هزار ریال نقد و مازاد آن طی ۱۴ سال با بهره ۶ درصد پرداخت خواهد شد. چنانچه از مواد لایحه مشخص است، فروش این املاک تماماً داوطلبانه و موقوف به تصمیم مالکان است. براین اجزای آن یک مهلت سه ساله تعیین شده و از جمله مزایای دیگری که به مالکان تعلق میگیرد، واگذاری اراضی بایر و موات به آنان، همراه با پرداخت یکجای قبوض اقسالی شان برای ایجاد واحد های بزرگ کشاورزی است. برای ارزیابی این اقدام جدید که تبلیغات رژیم آنرا قانونی تازه بر مبنای اعلامیه تریب شروع ها، نامیده است، بهتر است کمی به عقب بازگشته و مراحل اول و دوم اصلاحات ارضی را مختصراً بررسی کنیم.

یعنی خوش نشینان و کارگران کشاورزی که قانون اصلاحاتی برای آنان شناخته است.

## دهقانان و مرحله دوم اصلاحات ارضی

با اختیار کنند. بموجب آخرین آمار در پایان مرحله دوم ۱۰۷۶۷۷۵ خانوار دهقانی املاک ۲۰۱۳۵۹ خرد مالک را بصورت ۲۰ سال اجاره نموده اند. ۴۵۹۸۵ خانوار موفق به خرید زمین شده اند و در توش ۱۴۱۸۷ خانوار حق ریشه خود را به مالکان فروخته اند و ۱۵۳۱۶ خانوار حق ریشه خود را به مالکان تقسیم زمین بر حسب مالکیت عوامل زراعتی بوده اند و اگر چه حصه بزرگی از نسق زراعتی خود را از دست داده اند ولی بهر حال موفق به خرید قطعه کوچکی چنانچه آمار فوق گواهی میدهد در مرحله دوم مجموعاً فقط ۱۹۹۱۴۹ خانوار با استفاده از شق فروش و تقسیم قطعه زمینی نا درغوب و یا خیلی کوچکتر از نسق زراعتی خویش خریده اند و اگر این عده را نیز به مشمولین مرحله اول اضافه کنیم تازه نسبت کل دهقانی که زمین خریدند از ۱۸ درصد به ۲۴ درصد تغییر مییابد. یعنی در مرحله دوم که تا قبل از تنظیم لایحه چهار ماده‌ای اخیر پایان فروش زمین به دهقانان اعلام شده بود فقط ۶ درصد دهقانان مشمول خرید زمین شده اند و مجموعاً ۷۶ درصد خانوارهای دهقانی از خرید زمین سهمی نداشته اند.

در مرحله دوم مالکان توانستند با اتکاء به قانون سیستم اجاره زمین را به دهقانان تحویل کنند زیرا هم میتوانستند زمینهای بهائوری را در مالکیت خود نگاه دارند و هم دهقانان را بشوید گنشته استعمار کنند. در این مرحله بیش از یک میلیون خانوار دهقان مجبور به اجاره زمین در برابر اجاره بهای سنگین شدند و بجز اینجاست که مایه زرم که تا بیروز با آب و تاب فراوان خبر از استقبال پر شور دهقانان برای اجاره زمین میدادند اکنون ناگزیر اعتراف میکنند که سنگینی مال الاجاره ها، دهقانان را ناراضی کرده است. برای آنکه روشن شود که در مرحله دوم چه اراضی بهائوری در مالکیت مالکان مانده و به اجاره رفته است از نوشته روزنامه اطلاعات

انفاذ سند می کنیم که نسبت زمینهای استیجاری مرحله دوم را به زمینهای فروخته شده مرحله اول ۴ به ۷ میداند یعنی اگر بر اساس محاسبه تخمینی ما، در مرحله اول ۲۵ میلیون هکتار زمین به دهقانان فروخته شده باشد، در مرحله دوم ۴۲۰۰۰۰۰ هکتار زمین به اجاره رفته است که هم اکنون دولت به عالی که در زیر گفته خواهد شد، تصمیم دارد در صورت داوطلب بودن مالکان این زمین ها را خریده و به دهقانان بفروشد.

## عللی که رژیم شاه را بقبح نشینی تازه مجبور کرد

همانطور که در آغاز پیش بینی میشد اصلاحات ارضی شاه به علت مسمت خود و نیز سنجایی بودن و ناپیگیری آن نه تنها قادر به حل تضاد های موجود در جامعه ما نبوده و نیست بلکه تضاد های جدیدی را نیز با خود همراه دارد. امروز پس از گذشت ۵ سال کم و بیش میتوان صحت این پیش بینی را مشاهده نمود. تا قبل از اصلاحات ارضی دهقانان در اکثریت خود از طریق سیستم بزازعه، یعنی کار بر روی زمین ارباب و تقسیم محصول بر حسب عوامل زراعتی غارت میشدند. رفم ارضی این سیستم واحد غارتگری را بر هم زد و گروههای مختلف دهقانان را در شرایط مختلف بهره کشی مالکان قرار داد. اکنون مشاهده

میشود که حتی دهقانی که زمین خریده اند در شرایط متفاوتی قرار دارند. زیرا شرایط فروش زمین در مرحله اول و دوم کاملاً متفاوت است. در مرحله اول دولت زمین را ده درصد گران تر از قیمت خرید به دهقان میفروشد و بهای آنرا ۱۵ ساله از دهقان خریدت میکند. در مرحله دوم دهقانی که مشمول شق فروش است باید با وام وزارت کشاورزی یک سوم ارزش ملک را نقد به مالک بپردازد و باقیمانده را بر اساس توافق با مالک تأدیه نماید. شق تقسیم دهقان را موظف میدارد که یک سوم قیمت را با وام وزارت کشاورزی نقد و بقیه را ده ساله پرداخت کند. و نیز دهقانان اجاره دار نسبت به دهقانی که زمین خریدند در شرایط متفاوتی قرار دارند. اجاره بهای پرداختی بسیاری از دهقانان اجاره دار حتی از نصف زمین دهقانی که زمین خریدند بیشتر است. روزنامه اطلاعات ناگزیر در توضیح عقب نشینی اخیر دولت می نویسد: « اجاره بسیاری از اراضی حتی از قیمت زمین های مشابه که بین کشاورزان تقسیم شده بیشتر است، شایسته است که اینگونه تحولات ناروا سبب تشدید ناراضی دهقانان شده و اینجا و آنجا آنرا به عکس العمل واکنش است. تصویب قانون ۶ ماده‌ای در آذرماه ماه سال گذشته که برخی تغییرات را در قانون اصلاحات ارضی تصریح میکرد مؤید فقدان ارادتی در روستا و جنبه گیری در برابر دهقانان بود که قادر به پرداخت اجاره بهای سنگین نبودند. طبق ماده ۵ این ماده اصلاحات ارضی چنانچه دهقان اجاره دار نمیتوانست در سر رسید مقرر اجاره بپردازد، پس از انقضای سه ماه از تاریخ مذکور بخواهست مالک

اجاره فسخ میشد، اما ۶ ماده الحاقی به قانون اصلاحات ارضی سه ماه مهلت قانونی دهقانان را حذف نمود و مقرر داشت که « دهقانان باید مال الاجاره را در سر رسید سند اجاره بپردازند و در صورت استنفاذ سازمان اصلاحات ارضی موظف است وسیله مأمورین و ائداره های مقادری از محصول زراعتی را معادل میزان مال الاجاره برداشت و به مالک موروثه تحویل دهد. اما بقار گرفتن قدرت قانون و سر نیزه زاندارم نیز نتوانست دهقانان را آرام و غارتگری مالکان را تأمین کند. وجود بیش از یک میلیون دهقان اجاره دار، مأمورین و ناراضی، قانون مزاحمت و سرد سرد دائمی برای دولت بود. در نتیجه رژیم مجبور شد به این عقب نشینی تازه تن در دهد.

علت دیگر را باید در سمت اساسی رفم ارضی شاه، یعنی در تمایل به تقویت مناسبات سرمایه داری در کشاورزی جستجو نمود. شایسته است که حفظ بخش سنتی عبق مانند کشاورزی خواه ناخواه با هدف رژیم که بسط مناسبات سرمایه داری در ده است در تضاد قرار دارد. سیستم خرده اجاره داری نمیتواند خود را با هدف رژیم که ترویج شیوه سرمایه داری در کشاورزی و ایجاد واحد های بزرگ است تطبیق دهد. بهمین جهت است که در آستانه مرحله سوم اصلاحات ارضی که هدف آن بهبود و افزایش کشت، اعلام شده رژیم خود را ناگزیر از آفاه سیستم خرده اجاره داری میکند. شاه بارها توضیح کرده است که دهقانان هر ده در بین خود شرکتهای سهامی تشکیل دهند و زمینهای ده را بصورت واحدی بزرگ، با شیوه سرمایه داری اداره کنند.

اما این اقدام ناگزیر شاه، مانند سایر اقدامات وی در مراحل اول و دوم اصلاحات ارضی همراه با اعطاء امتیازات فراوان به مالکان است که از جمله پرداخت مبالغ هنگفتی بعنوان قسط اول زمین است. در شرایطی که مؤسسات مالی و اعتباراتی دولت دهقانان را مانند توپ فوتبال بیکدیگر پاس میدهند و هیچیک حاضر نیستند که وامهای چند صد تومانی دهقانان را تأمین کنند دولت خود را برای پرداخت میلیونها تومان به مالکان آماده اعلام میکند.

املاک استیجاری مرحله دوم باید قطعاً و بدون استثنا بدهقانان واگذار گردد و صد ها میلیون تومانی که بابت بهای زمین بمالکان پرداخت شده و میشود برای تقویت بنیه مالی دهقانان کمک کند به شرکتهای تعاونی روستایی و سرمایه گذاری خود دولت در این شرکتهای صرف شود.

اعتبارات کشاورزی، تمایل روز افزون رژیم به بسط مناسبات سرمایه داری در ده و ایجاد مناسبات بزرگ (لاتیفوندها) موجب تغییر سمت سیاست توزیع سازمانها و طرحها.

انتخابات کشاورزی شده است. از آن زمان که وزیر کشاورزی رسماً استیلام نمود، کسه، بانک کشاورزی، پتروشیمی و امهائی کوچک و کوتاه مدت را متوقف خواهد کرد و در آینده بانک با شرکتهای سازمانها و طرحها سر و کار خواهد داشت. اندکی پیش از یکسال میگذرد. در این دوران چنانچه گزارش بانک ملی حاکی است گرایش به جانب طرحهای بلند مدت و کاهش وامهای کوتاه مدت بوده است. اعتبارات بانک کشاورزی به وامهای متوسط تا پانصد هزار تومان اختصاص یافته و پرداخت وامهای کلان بیش از پانصد هزار تومان بر عهده صندوق توسعه کشاورزی گذارده شده که لایحه تأسیس آن چند ماه پیش به تصویب مجلس رسید. پرداخت وامهای کوچک بر عهده شرکت های تعاونی روستایی است که بدون کمترین تودیه این وظیفه نیست. نیاز شدید دهقانان بکمک و اتزان شرکتهای تعاونی روستایی چنان تیان است که محافل دولتی خود مجبور به اعتراف هستند. مجله تهران آگوستیست از قول این محافل می نویسد: « چون بانک کشاورزی نتوانست در سطح وسیع تری کمک مالی به شرکتهای تعاونی روستایی نماید اقداماتی انجام شده تا برای کمک به کشاورزان از طریق شرکتهای تعاونی روستایی، بانک تعاون تشکیل گردد. شایان توجه است که همین بانک کشاورزی در عین مشافهت از کمک به شرکتهای تعاونی که یکی از وظایفشان واگذاری وام به دهقانان و طرد سرمایه ربانی از عرصه کشاورزی است فقط در ۱۱ ماهه سال ۱۳۴۵ ۵۰ میلیارد ریال بقول خود برای انواع امور کشاورزی وام پرداخته است و این وامها طبق وظیفه ای که برای بانک کشاورزی تعیین شده وامهای متوسط تا ۵۰۰ هزار تومان اختصاص داشته است.

ظاهراً تشکیل بانک جدید یعنی بانک تعاونی که باید از طریق شرکتهای تعاونی روستایی دهقانان وام دهد بر عهده بخش خصوصی گذارده شده زیرا اخیراً وزیر کشاورزی تصویب کرده که مأمورین و مسئولان کشاورزی از قبیل گود و ماشین و غیره برای کشاورزان بوسیله بخش خصوصی انجام میشود و تأمین اعتبارات کشاورزی بوسیله همین بخش انجام خواهد شد. استدلال مقامات وزارت کشاورزی آنست که گویا دستگیرهای دولتی قادر نیستند به سرعت و خوبی بخش خصوصی وسایل و اعتبارات لازم را در اختیار کشاورزان بگذارند. عجب اینجاست که دستگیرهای جوانی بخوبی قادرند میلیارد ها ریال امکانات مالی خود را در اختیار سرمایه داران شهر و ده برای اجرای طرحهای بزرگ، بگذارند ولی قادر نیستند وام ناچیز دهقانان را تأمین کنند.

بیطریق راه را برای بخش خصوصی هموار میکنند تا با تمهیل شرایط سنگین و دریافت بهره های گزاف هست و نیست دهقانان را تا آخرین دینار غارت کنند. سیاست اعتباراتی دولت و عرضه بیابری تمام امکانات مادی و معنوی خود برای تشویق سرمایه گذاری خصوصی در کشاورزی و نیز بسط نفوذ سرمایه خارجی در روستای ایران دهقانان او را در معرض استعمار چند جانبه قرار داده موجب تسریع قشر بندی دهقانان و خنثی خرابی لایه های پایینی و میانه است.

## سیمکلی واقعی روستای ایران

در شرایطی که رژیم شاه برای تبدیل مالکان به سرمایه داران صاحب زمین و تشویق سرمایه داران شهری به سرمایه گذاری در عرصه کشاورزی تلاش میکند، روستای ایران با هزار مشکل مواجه است. با آنکه رژیم سعی دارد وضع دهقانان را بر ویران و روستا را پر رونق جلوه دهد بقیه در صفحه ۸

# بیماری چپ روی و چپ نهائی در بین نیروهای اپوزیسیون

## دو شرط اولیه و اصلی پیروزی

دو شرط اولیه و اصلی راه پیروزی اجتماعی و سیاسی عبارت است از اتحاد نیروهای تحول طلب و خط مشی درست سیاسی و تبلیغاتی و تشکیلاتی آنها. اگر نیروهایی که خواستار ایجاد تحول و دگرگونی انقلابی در جامعه اند واقعا در حرف خود صادق و جدی هستند باید گرد هدف عمده نهضت متحد شوند. این اتحاد میتواند باشکال مختلف در آید. از اتحاد عمل کوتاه مدت یا دراز مدت سازمانهای مختلف در این یا آن عرصه مبارزه گرفته تا اتحاد آنها در یک جبهه واحد و در زیر پرچم یک برنامه مشترک. بهر جهت اتحاد شرط ضروری است. و اما اتحاد بخودی خود با آنکه شرط لازم است شرط کافی نیست. نیروهای متحده باید همگی صحیح نیز مجهز باشند؛ یعنی بدانند چه میخواهند؛ با چه کسی طرف هستند؛ از چه راه میخواهند هدف برسند؛ تناسب اقوی خودی و دشمن چیست؛ در چه محیطی عمل میکنند؛ چه شیوه ای در تبلیغ باید داشته باشند؛ چه اشکال مبارزه سازمانی را باید بخار بندند و غیره و غیره. خلاصه آنکه اگر نیروها متحد باشند و مشی روشن و صحیح؛ پیروزی در طول مدت حتمی است. ولی بر عکس اگر نیروها متفرق باشند و مشی مبهم و غلط شکست و ناکامی ناگزیر است.

حال خود قضاوت کنید؛ نیروهایی در ایران و خارج از ایران با رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک موجود و استبداد شاه مخالفند و میخواهند وضع را در ایران بسود استقلال و دموکراسی دگرگون سازند. این هدفی است شریف و عالی. ولی آیا این نیروها بین خود و در داخل خود وحدت عمل و وحدت نظر دارند؛ متأسفانه نه. نه فقط نیروها در ایران و خارج از ایران با وجود انبوهی خویش پراکنده اند؛ بلکه گاه سخت بچنان هم میافکنند. آن انرژی و وقت و قدرت مادی که باید صرف کوبیدن رژیم مغالط اجتماعی شود؛ صرف کوبیدن یکدیگر میشود. بقول ایرج میرزا؛  
«کوبیدن اشقیای از این به»  
دانائی و مهارت از این بیش»؛

زنجار پاشهای مکرر حزب ما در باره خطرات این پراکندگی بچنانی نرسیده دعوت حزب ما برای ایجاد وحدت عمل و تنظیم برنامه مشترک مبارزه بی نتیجه مانده تقریقا نه فقط ادامه دارد بلکه تشدید میشود. نهمانیان تفاتی هر روز بدر تازه ای می افشاندند و عینا در اجراء وظیفه خود که گاه ناشی از گمراهی است گاه ناشی از بدخواهی موفند.

و اما در مسئله خط مشی نیز کار از مسئله وحدت بهتر نیست. عده ای از سازمانهای اپوزیسیون روز بروز در ذرک مسائل بین المللی و مسائل ایران از واقعیت دور تر میشوند و مغلوب شعارهای احساساتی و غیرعقلی و تجزیهی هستند. بیچ حزب توده ایران که تلاش و تمرینش برای برآورد صحیح وضع جهان و ایران بکار برده و میرود و شده سازمان مخالف رژیم استبداد سطحی؛ ساده شده و احساساتی و انتزاعی نادرستی از این وضع دارند. این چپ روی دامنگیر سازمانهای اروپائی و امریکائی «جبهه ملی» و «جمله سوسیالیستها» و گروههای وابسته به «توده» و «طوفان» و محافل همین جنبش دانشجویی ایرانی در خارج است. این سازمانها و جرائد وابسته بانها نه فقط در باره وضع جهان و ایران استنباط نادرستی دارند؛ بلکه دامنه احتجاجات نادرست خود را بانجا کشانده اند که روز بروز بیشتر در جاده مخالفت با شوروی و دشمنی با حزب توده ایران پیش میروند و با این عمل خود بخواهند یا نخواهند افزای سودمندی در دست محافل امریکالیستی و ارتجاعی قرار میگیرند؛ مخالفی که اتحاد شوروی و کشور های سوسیالیستی را در جهان و حزب توده ایران را در ایران هدف عمده حملات خود ساخته اند. آیا واقعا این افراد و نیروها که به تفرقه میدان میدهند؛ شمارهای نادرستی و احساساتی را بدون توجه به مضمون عمیق و واقعی آنها تکرار میکنند؛ با توده شوروی که همسایه

ما و محکمترین تکیه گاه نیروهای ترقیخواه و تحول طلب جهانی است از در مخالفت در میآیند؛ با حزب توده ایران که جدی ترین و معتبرترین و پرست ترین نیروی ترقی و تحول در ایران است راه خودموت در پیش میگیرند؛ واقعا میخواهند با رژیم استبدادی شاه مبارزه کنند؟ واقعا در دعای انقلابی خود صادقند؟ واقعا فکر میکنند از این راه بجائی میرسند؟ این سؤال پاسخهای متعددی دارد؛ مسلما کسانی هستند که صادقند و شاید هم اکثریت با این عده است. این افراد که فاقد اغراض ناپاک هستند دچار اشتباه و سردرگمی و ارزیابی خطا شده اند ولی مسلما کسانی هم هستند که میدانند چه میکنند. برای آنها ایجاد محصل و مبنای فکری مخالفت و مناقشه با حزب کمونیست شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و حزب توده ایران رسالت و وظیفه هر کزی است. امروز باین شکل فردا به شکل دیگر. دلائل و احتجاجات رنگارنگ است ولی اصل قضیه که مخالفت است مستمرا بلا تغییر میماند. هیچ استدلالی؛ هیچ نرمشی و هیچ کوششی از حدت آن نمیکاهد.

ولی بهرجهت خواه عناصر بی غرض و خواه مغرض محملاتی را بعیان میآورند و نظریه ای را با رنگها و فرمولبندی های مختلف برای محتوی کمابیش واحد؛ مطرح میسازند؛ ببینیم آن نظر کدام است و عیار منطقی آن چیست؟ به بینیم ما بدان نظر چه پاسخ میدهم؟ باید این بحث با صراحت و روشنی مطرح شود. زیرا امروز منطق و دلیل و فردا واقعیت و تاریخ بمدد حقیقت میشتند و خواهد شناخت و میتوان مانند خورشید روشن دید که پایاں کار چپ روی اجم از آنکه منشا آن گمراهی باشد یا غرض؛ شکست و ناکامی است.

## تلخیصی از نظریه چپ روها

اگر بگوئیم با کنار گذاشتن مقالات و سبدها لب کلام چپ روها را بیرون بکشیم و آنرا در سفور مددوی تلخیص کنیم حاصل این تلخیص چنین است: «در جهان نبرد اساسی بین خفایای آزادی و استقلال طلب آسیا و آفریقا و امریکای لاتین با امپریالیسم و بر رأس آن امپریالیسم امریکا در گرفته است. این مبارزه ایست که تنها از طریق مسلحانه و مبارزات پارتیزانی میتواند پیروز شود. وظیفه کشور های سوسیالیستی است که بسبب ماهیت انقلابی خود باین نهضت ها از هر باره و نیز از لحاظ نظمی و تسلیحات کمک کنند. وظیفه آنهاست که رژیمهای ارتجاعی و دست نشانده امپریالیسم را از هر باره بکوبند و با آنها جز در حدود بسیار عادی رابطه ای برقرار سازند. ولی عده ای از کشور های سوسیالیستی و از آنجمله اتحاد شوروی چنین روشی ندارند و برعکس در صدد اجراء سیاست همزیستی مسالمت آمیز و سابقه مسالمت آمیز با کشور های سرمایه داری و امپریالیستی هستند. این سیاست در حکم لعنه زدن به انقلاب خفایا و انقلاب جهانی است. لذا اتحاد شوروی و کشور های سوسیا لیستی با طرفداری از همزیستی مسالمت آمیز عدا به امپریالیسم و حتی شدید تر از آن آماج مبارزه انقلابیون قرار گیرند. حزب توده ایران نیز که از همین مشی حمایت میکند سرسپرده است و از شدت خدمتگذاری است که چنین راهی را در پیش گرفته است این حزب نیز باید بیرحمانه کوبیده شود. و اما در ایران تضاد اصلی بین مردم ایران و رژیم است که صحت نشانده امپریالیسم است. تغییرات در وضع ایران مانند اصلاح ارضی و غیره بدستور امپریالیسم انجام میگیرد و برای پیشگیری از انقلاب و درحکم اجراء اسالیب نواستعاری در ایران است. راه نجات مردم ایران سرنگون کردن رژیم است. وسیله آنهاست جنگ پارتیزانی و مبارزه مسلح است. کشورهای سوسیالیستی نباید با رژیم ایران رابطه ای جز در حدود بسیار عادی و حد اقل دائر سازند؛ بلکه باید این رژیم را تضعیف

نمایند و بمبارزه انقلابی مردم ایران کمک همه جانبه و حتی تسلیحاتی بکنند. چون کشور های سوسیالیستی با دولت موجود ایران رابطه حسن همجواری و کمکهای اقتصادی و فروش اسلحه دائر کرده اند بانقلاب ایران آسیب میزنند و چون کشور توده ایران هم این حسن روابط بین ایران و حزب توده امپریالیستی را تأیید میکنند و مردم را به مبارزه مسلح فرا نمیخوانند دستیار آنهاست و سازشکار و رویزونیست شده است و اما همه این معایب نیز تفسیر رهبری سرسپرده حزب توده ایران است. راه چاره آنست که این حزب با این شکل خورد شود و حزب انقلابی طبقه کارگر در ایران از سر نو دائر گردد.

اینست فشرده کوهی از مقالات و کروه انبوهتری از تبلیغات شفاهی که با انواع دشنامها و ظن های گزنده و غلط بحثها و سنسله در واقعیات همراه است. مرجعین این نظریات چنان مغلوب منطق خویشند که دادن دشنامهای هر چه پرسوز تر به حزب کمونیست شوروی و حزب توده ایران را در ذمه خود میدانند. ولی در واقع این نظریه؛ نظریه ای سطحی؛ ساده شده و غیرواقعی است. مسلم است که در آن حقایق و نیمه حقایق اینجا و آنجا منعکس است. مثلا این درست است که در جهان و ایران نبرد بی امانی برای آزادی و استقلال در گرفته است این درست است که وظیفه انقلابی و انترناسیونالیستی احزاب کمونیستی خواه و نغلوب باشند یا نباشند کمک همه جانبه باین نبرد است و غیره. ولی ذکر این حقایق کلی و اولیه و برای داشتن تصویری دقیق از وضع جهان کافی نیست. وضع جهان و ایران برانب از این بفرجتر و راه مبارزه در عصر ما به مراتب از این پر پیچ و خم تر است. اشکال کار اینست که توصیف ساده شده و عامیانه و تاسیم همه چیز بسیاه و سفید و اعلام آنکه اعمال تهر

حلال همه دردهاست برای کسانی که اطلاع نظری و سیاسی و تجربه عملی کافی نداشته باشند؛ میتواند جذاب باشد؛ میتواند حقیقت بلا تردید جلوه کند و برعکس توصیف بفرنج و علمی مسائل و نشانی دادن سایه روشنها و مشکلات و ترسیم سائل واقع بینانه بر اساس این تحلیل میتواند در نزد همین افراد مفهوم واقع نگردد؛ آنها را حذب نکند. ولی این موقت است. زمان میآید و زمان میگذرد و آنچه که امروز مبهم و بفرنج بنظر میرسد فردا همه فهم و روشن میشود و ابتداء و نادرستی شعارهای فرامرزبانه برما میگذرد. در تاریخ کم آورده است که چپ روها با شمار های احساساتی و بظاهر مغرور انقلابی توانستند مدتی جاوه گری کنند ولی بالاخره در کوره زندگی عیار شمار های روشن میشود. آخر تا چند سال مدعیان شمار های انقلابی میتوانند وعده بدهند؛ بالاخره آنهاست که باین وعده ها دل خوش کرده اند روزی اجراء آنها را خواهند خواست و چون محک تجربه بعیان آید کار ها رویه دیگری بخود خواهد گزشت.

اینک به بینیم باین نظریه ساده شده و سطحی که همه جا با تمییرات مغرضانه و خود سرانه ای ترصیح شده است؛ چه ایراد هایی وارد است:

## نظری بوضع جهان و ایران

در نظریه چپ روانه ای که تلخیص از آنرا بدست دادیم یک مسئله معمولا بکلی فوت میشود و آن مسئله سلخ و جنگ است و حال آنکه این یک مسئله عام و بشری عصر ماست که باید در آغاز هر تحلیلی قرار گیرد. مسئله اینست که تکامل حیرت انگیز سلاح اتمی و هسته ای و وسائل برد آنها بجائی رسیده است که وقوع یک جنگ جهانی را به بلایه ای مخوف و دارای عوالی پیش بینی ناپذیری برای تمدن بشری مبدل میکند. بشر در این نیمه قرن بیستم باید بسیار نادان باشد که این خطر مکنون را نبیند و برای جلوگیری از آن به موقع چاره ای نیندیشد. خوشبختانه در عصر ما کمکم کشورهای سوسیالیستی؛ جنبشهای انقلابی؛ جنبشهای رهائی بخش ملی؛ دولت های ضد

امپریالیستی؛ مردم صلح دوست و ترقیخواه میتوان و باید علیرغم وجود امپریالیسم و علیرغم آنکه طبیعت جنگ طلب این جهانخوا درنده خو تنبیر نکرده است؛ از وقوع جنگ جهانی جلوگیری کرد. برای این کار بهترین سیاستی که میتوان تعقیب کرد سیاست همزیستی مسالمت آمیز سیستمهای مختلف اقتصادی و اجتماعی و حل مسائل متنازع نه از طریق جنگ و جنگ سرد (که باسانی میتواند به جنگ گرم بدل شود) بلکه از طریق مذاکره و تخفیف و خدات بین المللی است. این سیاست بهیچوجه منافعی اجراء وظیفه اساسی و تاریخی احزاب انقلابی و کشور های سوسیالیست دائر به پیروز کردن سوسیالیسم در مقیاس جهانی برانداختن سلطه امپریالیسم و سرمایه داری و استعمار و استعمار زین نیست. چنانکه تجربه نشان داده است در همین شرایط میتوان و باید از وظیفه اصلی و مرکزی را بویژه از سه طریق مهم زیرین عمای کرد:

۱ - از طریق کمک همه جانبه مادی و معنوی تا حد کمکهای تسلیحاتی و نظامی به جنبشهای انقلابی کارگری و نجات بخش ملی هر جا که چنین کمکی لازم گردد. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی این وظیفه را در حق ویتنام؛ کوبا؛ الجزیره؛ مصر؛ سوریه؛ یک ساله کشور ها و جنبشهای ملی و انقلابی انجام داده اند. میبهند و خواهند داد. مثلا برای اثبات این مدعا اظهارات صریح کمپوز رهبران انقلابی و ملی (مانند هوشی مین؛ فلم دان دنکنگ؛ لیدل کاسترو؛ احمد بن بلا؛ جمال عبدالناصر؛ یوسف زعین و دیگران) موجود است و ما بارها این گفته ها را که در تصدیق کمک وسیع و مؤثر شوروی و ابراز قدر دانی از آن بود؛ در صفحات «مردم» منعکس کرده ایم. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بارها اعلام کرده اند که آنها دست به صدور انقلاب؛ نمیزنند زیرا این امر برخلاف نظریه مارکسیستی - لنینیستی در باره ضرورت نفع انقلاب در درون جامعه معین است ولی صدور امپریالیستی ضد انقلاب را تحمل نخواهند کرد. اجراء سیاست همزیستی مسالمت آمیز منافاتی با اجراء وظیفه کمک همه جانبه بخلقها ندارد. این دیگر یک حکم تجزیهی نیست بلکه تجربه سالهای اخیر امکان تلفیق این دو روش را نشان داده است.

۲ - از طریق نشانی دادن نمونه پیروزی همه جانبه جماع سوسیالیستی در زمینه آهنگ رشد؛ بازده کار؛ مسلح زندگی؛ دموکراسی؛ رشد علم و فرهنگ؛ زیرا روزی که جماع سوسیالیستی موجود بتوانند در همه این نمودار ها بر رانی ترین کشور های سرمایه داری پیشی گیرند؛ تحول عظیم در عقول و قلوب ایجاد میشود که موجب تسهیل مبارزه های تحول طلب؛ موجب تسهیل انتقال قدرت سر دست بورژوازی بدست پرولتاریا خواهد شد. امروز که این پیروزی ها بدست آید در نیست؛ هم اکنون کشورهای سوسیالیستی بیش از ۳۸ درصد تولید صنعتی جهان را در دست دارند و با آهنگی بمراتب سریعتر از سرمایه داری در جاده تکامل همه جانبه پیش میگذارند. این سخن بمعنای آن نیست که ما میگوئیم سرمایه داری بخودی خود خورد خواهد شد؛ ابتدا؛ این سخن بمعنای آنست که ما میگوئیم اثبات مشخص برتری سوسیالیسم بر سرمایه داری مبارزه انقلابی برای خورد کردن سرمایه داری را تسهیل خواهد کرد. مبارزه کشورهای سوسیالیستی در راه اثبات عملی برتری همه جانبه سوسیالیسم بر سرمایه داری اجراء یک وظیفه طبقاتی و در حکم یک عمل عظیم انقلابی است که تأثیرات آن در تاریخ انسانی شگرف خواهد بود.

# بیماری چپ روی و چپ نمائی

## در بین نیروهای اپوزیسیون

### شماره دوازدهم «شعله جنوب» ارگان تشکیلات خوزستان حزب توده ایران منتشر شد

سرمقاله این شماره به روز اول ماه مه جنبش کارگران سراسر جهان اختصاص یافته و در آن پس از اشاره به مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران در دورانهای مختلف و فداکاریها و جانباختنها و محرومیتهایی که این طبقه به خاطر نبل به آرمانهای انقلابی خود تحمل کرده است گفته میشود: طبقه کارگر ایران در طول قزلباشی آشتی ناپذیر خود پیروزیهایی بدست آورده و شکستها خورده ولی هرگز بجزم مبارزه را برزیم ننگداشته است. . . . در میان مبارزات قهرمانانه کارگران ایران کارگران و زحمتکشان خوزستان سهم بسزایی داشته‌اند. هنوز اعتراضات و مبارزات افتخار آمیز سالهای ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ و ۱۳۱۰ و ۱۳۲۵ و ۲۹ و ۳۰ که توأم با فداکاری و قربانیهای فراوان بوده از خاطرها زنده نگردیده. در مقاله از کارگران دعوت شده است که شمش برگزاری جشن اول ماه مه - مسائل و خواستههای خود را مطرح سازند، همبستگی و سوگند های خود را تجدید کنند و بسوی وحدت گام بردارند.

روزنامه بمناسبت فوت آقای دکتر مصدق نامه تسلیت تشکیلات جنوب - حزب توده ایران را همراه با مقاله‌ای تحت عنوان «مصدق رهبر ملی و دشمن استعمارگران» درج کرده است در مقاله پس از اشاره به شخصیت آقای دکتر مصدق و مبارزات پیگیر او علیه استعمار گفته شده است: «دکتر مصدق حصار از سر نیزه‌ها و مأمورین سازمان امنیت جانت سپرد و در آخرین لحظات حیاتش نیز از یک روز آزاد ساختن او وحشت داشتند. . . با اجازه داده شد که بغارچ برود و یا حتی پزشکی جهت مداوای او دعوت کنند. . . پس از مرگ او نیز از ابزار همدردی مردم و درج آگهی های تسلیت درجراپید جلوگیری کردند مقاله چنین پایان یافته است: «اینک که مصدق در میان ما نیست طبقه همه آزادبخواهان و نیروهای ملی و مترقی است که دست از تفرقه برداشته در یک جبهه واحد ملی گرد آید، مقاله دیگر روزنامه تحت عنوان «ارمنان، شاه بخوزستان» است که روزنامه به اطلاع خوانندگان خود میرساند که چگونه سازمان امنیت و دیگر دستگاههای پلیس قبل از ورود شاه مردم را مورد آزار و اذیت قرار دادند و عده‌ای را در آبادان و شهرهای دیگر دستگیر کردند. با تحریک مستقیم سازمان امنیت شیوره های مخالف هم را بجان هم انداختند و در نتیجه ۳۰ نفر کشته شدند، ۵۰ نفر دستگیر کردند و ۸۰ نفر را روانه زندان نمودند» یا آنکه کوشش میشد صدای اعتراض کارگران بلند نشود و چندین نفر را به همین علت دستگیر کردند ولی کارگران باین نوع صحنه سازیهما که در سالهای اخیر باب شده بود اعتراض میکنند و خشم و بیزاری خود را نشان میدهند.

شماره اخیر شعله جنوب مانند همیشه حاوی اخباری از زندگی و مبارزات زحمتکشان جنوب است این اخبار نشان میدهد که در شرایطی که هیچ نوع آزادی برای تشکل و مبارزه وجود ندارد و کوچکترین صدای اعتراض با خشونت سرکوب میشود، چگونه کارگران و زحمتکشان برای تأمین مطالبات خود از راههای گوناگون مبارزه استفاده میکنند. شعله جنوب دردهای کارگران و زحمتکشان جنوب را در صفحات خود بازگو میکند و تلاش آنان را برای گرفتن حقوق خود منعکس میسازد و راه تشکل و مبارزه را با آنها میآموزد. ما موفقیت نازنین شعله جنوب را صمیمانه آرزو میکنیم و بانهای رفیقای خود میسرستیم.

تئوری مارکسیسم - لنینیسم را بر شرایط مشخص کشور ما بشکل علمی و خلاق انطباق دهد و از این تلاش خود بهترین نتیجه های دقیق تر و مولدی تری بگیرد. حزب اطمینان جاره که ولایتی و انقلابی عملی و سنجیده وی میتواند بر همدرد صحیح مبارزه بر ضد استعمار و استبداد مبدل گردد و بر چپ روی و راست روی تأثیرات شده است و آن حزب توده ایران میکوشد تا

تسخیر چپ روی و چپ نمائی در نیروهای اپوزیسیون غیر توده‌ای علاوه بر عامل اجتماعی آن دارای برخی علل سیاسی بسیار مهم است. مسائلیست به عنوان ایندولوی ناسیونالیستی و همزیستی بکن شمارهای چپ را وسیله خوبی برای جاب مردم محروم و عطشان رهائی میداند و برای تبلیغ این نظریات تلاش عظیمی بکار میبرد. امپریالیسم و سازمان جاسوسی، سیا، حاضر است حتی آن کمونیسمی را که ضد شوروی و ضد حزب اصلی کمونیستی کشور معین باشد بعنوان «پلاتفرم» بر ضرر قبول کند و به مبلین چنین کمونیسمی، از هر باره کمک رساند. سازمان امنیت ایران نیز همین مشی را دنبال میکند. لذا نه فقط منشأ اجتماعی چپ‌روها قابل جذب بودن شمارهای تند و تیز ولی تپی از واقعیت گسترش چپ روی را تسهیل میکند بلکه چنین کارگردانان نیرومندی نیز در پس صحنه ایستاده‌اند. با توجه باین عامل است که باید گفت ما فقط با چپ‌روها روبرو نیستیم بلکه با چپ‌نمائی نیز روبرو هستیم که سخنان چپ برای آنها وسیله کار است و خود به آنها باور ندارد. بهمین جهت است که فریادهای حزب ما برای وحدت و داشتن مشی واقع بینانه همانند آن مردی است که در بیابان فریاد میکشید. این یک وضع بسیار نگرانی آور است. کشاندن نیروهای تحول طلب ایران به گرداب ضد شوروی، ضد توده‌ای، انقلابیگری کاذب، خدمت دانسته یا ندانسته به امپریالیسم و سازمان امنیت و دشمنان انقلاب ایران است. جا دارد که همه کسانی که در این شبهه بدون اندک فرض و بیانیات پانک شرکت جستند بخود آیند، بجند و حساب خود را از کارگردانان بروز، جدا سازند. حزب ما با همه مشکلات موجود بدون تئور وبدون خستگی کماکان به تلاش مقدس و ضرور خود برای اتحاد و تجمع نیروها ادامه خواهد داد و مطمئن است که اصل تجمع نیروهای تحول طلب اصلی است که اگر در راه آن پیگیرانه و با شیوه صحیح مبارزه شود پیروز خواهد شد. مسئولیت شکست و ناکامی نهضت در این شرایط تماماً متوجه کسانی است که با روش فکری و عملی خود در راه تحقق این تجمع نیروها کار شکنی میکنند.

در عین حال باید هشیار بود که مبارزه بر علیه چپ روی از موضع واقعی انقلابی صورت گیرد نه از موضع اپورتوئیسم راست و تسلیم طلبی. باید بر حذر بود که دفاع از صلح و سیاست همزیستی مسالمت آمیز و مسالمت آمیز استعمار و سرمایه داری و حمایت محکم و همه جانبه از جنبشهای رهائی بخش و انقلابی را در سایه نگذارد و با تضعیف نکند و نیز دفاع از بسط مناسبات ایران و کشورهای سوسیالیستی و ارزیابی واقع بینانه اقدامات رژیم و تکیه بر روی شمار های مردم تاکتیکی ضرورت مبارزه پیگیر علیه رژیم ضد ملی ضد دموکراتیک و استبدادی شاه و افتاء و انتقاد از آنرا تضعیف نکند. تنها یک خط مشی واقعا انقلابی و حقیقتاً واقع بینانه قادر است بسیج کند و شورانگیز باشد. ماجراجویی و تسلیم طلبی هر دو مایه زوال حزب و نهضت است. پیش از ختم این مقال این نکته را نیز تصریح کنیم که حزب ما مدعی آن نیست که خود در خط مشی خود از اشتباه و «فراروند» یادوست مبری بوده است و با اکنون مبری است. اصل برای یک حزب عبارتست از تلاش صادقانه برای درک واقعیت و تنظیم مشی صحیح والا اشتباه برای حزبی که می‌اندیشد می‌رزد تا گردیر است. حزب ما نیز در تحلیل‌ها و استنباط های خود و مبارزه خویش دچار ارزیابی‌ها و گرایشهای نادرست شده است و آن حزب توده ایران میکوشد تا

پیروزی انقلاب دورنمایی روشن دید. عامل فکری بدون عامل ذهنی نمیتواند خود بخود به انقلاب منجر گردد. ۲ - لذا نباید شرط ذهنی انقلاب نیز فراهم باشد یعنی سازمان نیرومند و با انضباط و با قوفی از انقلابیون وجود داشته باشد که بتواند توده‌ها را بمقابل خود بکشد. ضمن سازمان طبقه کارگر و تفرقه در نیرو های تحول طلب در اینجا نیز وضع رضایت بخشی بوجود نیآورده است. در مقابل این نظر لنین، تئوری دیگری مطرح میشود که بهیچوجه نو نیست و مارکس و انگلس در قرن نوزدهم تحت عنوان بلانکیسم با یک نوع آن مبارزه کرده‌اند. حاکی از آنکه وضع انقلابی بمعنای گذشته ضرور نیست. شرایط جهان و ایران برای انقلاب عالی است. جسور ترین انقلابیون باید هم اکنون دست بکار شوند و به ایجاد واحدهای پارتریزانی دست زنند. تشکیل واحد های پارتریزانی خود بخود وضع انقلابی پدید می‌آورد. حزب طبقه کارگر هم باید از داخل همین واحدها پدید آید. لذا باید بیدارنگ دست به‌نگ ببرد.

ما به صحت اصولی این نظر و بویژه تمرینش آت در شرایط مشخص کنونی اجتماعی کشور خودمان باور نداریم و حق نداریم بر اساس چیزی که آنرا درست نمیدانیم، عمل کنیم. آنهایی که بان باور دارند بیایند و در عمل خطای فکر ما و صحت برآورد و دید خود را ثابت کنند! کدام ایرانی انقلابی است که از پیروزی آرمانهای سوسیالیستی در ایران بجان شادمان نشود. ماتریچ می‌دهیم در ایران زنجیر استعمار و استبداد بگسلد، بدست هر که میخواهد باشد. ما در اینجا خود خواهی شخصی و سازمانی نداریم. ولی وظیفه هم نداریم مردم را برای فرا خوانیم که آنرا حادته‌جویانه و بی سرانجام و غلط میدانیم. مسئولیت این نظریات و اجراء آن با آنها که آنرا، آخرین کلام، تئوری می‌شمرند.

از آنجا که چپ‌روها تنها سرنگون کردن رژیم و جنگ پارتریزانی را بعنوان تنها شعار مردم پیش میکنند ناچار کوچکترین توجهی به مبارزات تاکتیکی ندارند و برایشان تحمیل وضع کنکرت ایران، اقدامات رژیم، ماهیت طبقاتی رژیم، رابطه رژیم با امپریالیسم، تناقضات داخلی رژیم و غیره و غیره علی‌السویه است. و از آنجا که ما بر عکس آنها برای اجراء شعار استراتژیک در حال حاضر محلل های ضرور را فراهم نمی‌نماییم بناچار توجه خود را بمسائل مردم و تاکتیکی و تحلیل های کنکرت معطوف می‌داریم. بدون آنکه حتی لمحدهای هدف استراتژیک و غالی خود را از نظر دور داریم. از همین جا دور خورد بکلی متضاد پدید میشود. کوشش ما برای تحلیل مشخص وضع ایران و اقدامات رژیم با گه‌تار های شمار مانند و تهییجی چپ‌روها که مخصوص آستانه انقلابات است. فرق اساسی یسافته و بیش از پیش خواهد یافت. دو راه از هم بشکل روشن جدا میشود. زندگی نشان خواهد داد که کدام یک از این دو برخورد واقعی و لذا حقیقتاً انقلابی است. زیرا انقلابی بودن به ادعا کاری و لغظی نیست. انقلابی کسی است که واقعا بتواند اندیشه و سازمان انقلابی را در مسیر تاریخ بنه پیش برد و برای ابتکار بتواند گام باید بشیوه انقلابی و گاه بشیوه های عادی عمل کند. گاه تعرض کند سختی کند، گاه نرمش، گاه شمار حد اکثر را بمیان کند، گاه شمار حد اقل، ذاه در کادر وضع موجود عمل نماید گاه که شرایط را فراهم دید این کادر را بشکند.

پیش ببرند. این عمل آنها کاملاً در مغفقت خلفها و مبارزه آنهاست.

این سیاست که مشخصات آنرا بیان داشته‌ایم جنگ سرد را نه فقط نگاه نمیدارد بلکه آنرا محکوم بزوال میکند و امپریالیسم را در وضع دشواری قرار میدهد زیرا اگر آنرا بپذیرد، شرایط افراد تدریجی خویش را فراهم آورده است. اگر در مقابل آن مقاومت عنودانه ورزد، چهره خود را نه فقط در مقابل تشرهای محروم بلکه حتی در برابر همه طبقاتی که اینجا آنجا در سیاست امپریالیستی جنگ سرد ذبح نیستند افشا میکند و باز هم خود را متفرد میسازد. این سیاستی است هم انسانی و هم خردمندانه. هم واقع بینانه هم انقلابی. تمام روش اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را از آنجمله در مورد میهن ما ایران باید در این مقطع فهمید. البته اگر در ایران امکان تحول انقلابی قوی بود، وضع میتوانست رنگ دیگری بخود گیرد. ولی گناه کیست که سازمانهای تحول طلب در ایران تا امروز نه فقط متحد نیستند بلکه متفرق تر از همیشه اند! به روش هماهنگ و مدبرانه ای مجوز نیستند و بطور عمده به محافل بحث و ستیز در خارج از کشور مبدل شده اند و هیئت حاکمه ایران بر عکس توانسته است با استفاده از اشتباهات و غفلتهای گذشته و ناپسانمانی های کنونی مخالفین خود، موافق بر اوضاع مساط شود و سیاستی کارا تر از مخالفین خود بسود بقاء خویش در صحنه ایران و جهان در پیش گیرد؟ ما نباید منتظر باشیم که برای انقلاب کشور ما کسانی دایگی و پرستاری کنند و با آنکه کشور های سوسیالیستی در این صحنه بفرنج سیاست جهانی که هر روز آن آبتن واقع نامنتظره ایست دست روی دست گذارند و به بحث و ستیز پایان ناپذیر ما گوش فرا دهند و چشم براه کرامات و معجزات ما بنشینند و عجباً ایران را تا ظهور قائم موعود به تاخت و تاز و بیغما و تاراج امپریالیسم رها سازند.

تلاش چپ‌روها از وضع ایران نیز نادرست است. دعوت بقیام مسلح و جنگ پارتریزانی در شرایط فقدان

محمل های عینی و ذهنی صاف و ساده یک دعوت توغالی و ماجراجویانه است. تردیدی نیست که هر انقلابی آرزومند آنست که بجزم جوروستم را در ایران سرنگون کند. آرزومند آنست که بهیچند در ایران نیز مسالمت و یتنام قهرمان، مردم یک تنه به‌بند است امپریالیسم و ارتجاع برخاسته‌اند ولی از آرزو تا واقعیت فاصله فراوانی است. انقلاب اجتماعی را بشیوه لویی بلانکی تنها بکمک زیرکی و جانبازی چند پیشاهنگ نمیتوان تحقق بخشید. قوانین انقلاب اجتماعی همانست که لنین آنها را روشن کرده است و ما بارها گفته‌ایم و اینک تکرار میکنیم:

۱ - باید شرایط عینی انقلاب فراهم باشد یعنی هیئت حاکمه نتواند بشیوه سابق امور را اداره کند و مردم نخواهند بشیوه سابق برانها حکومت شود و عزم مردم برای سرنگون کردن بساط هیئت حاکمه اقدام باین امر جزم باشد. در ایران ناخردندی شدید مردم از رژیم وجود دارد ولی ناخردندی شدید هنوز بمعنای بحران انقلابی نیست. باطمینان میتوان گفت در شرایط کنونی در ایران وضع انقلابی وجود ندارد. تردیدی نیست که وضع بر همین منوالی نخواهد ماند. تناقضات رژیم عمیقتر خواهد شد و مسلماً بحرانهای رژیم در آینده روی خواهد داد. ولی در عین حال نباید فراموش کرد که هیئت حاکمه ایران اینک از همیشه برای مقابله با بحران محرب‌تر است و لذا کار انقلابیون در آینده دشوارتر از گذشته است. بااینحال اگر بهنگام وقوع بحرانهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی سازمان مجوز و با نفوذ انقلابیون وجود داشته باشد میتوان برای



### انقلاب کمپرسوسیالیستی اکتبر - تحول بنیادی در سیاست جهانی

عمده دوران ، یعنی تضاد بین کار و سرمایه ، تضاد بین پرولتاریا و بورژوازی گسترش یافت و مناسبات بین دولتها را در بر گرفت. بدین ترتیب تضاد و مبارزه بین دو سیستم سرمایه داری و سوسیالیسم به محور سیاست جهان مبدل شد و قانون اساسی دوران نوین را تشکیل داد.

دولت شوروی بر پایه تحلیل علمی وضع مشخص جهان و مجامعه دقیق تناسب قوا در مقابل سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم ، سیاست همزیستی مسالمت آمیز و مسابقه مسالمت آمیز اقتصادی دولت های دارای رژیمهای اقتصادی و اجتماعی گوناگون را قرار داد.

سیاست صلح اتحاد شوروی ناشی از طبیعت تولید سوسیالیستی ، ناشی از طبیعت رژیم اجتماعی و سیاسی کشور است که بهره کشی انسان از انسان و خلقی از خلق را ملغی ساخته و با تجاوز و کشور گشائی منافات دارد. همین امر است که سیاست خارجی اتحاد شوروی را در نقطه مقابل سیاست خارجی دولتهای امپریالیستی قرار میدهد.

انتقاد قرار داد های مربوط با استقرار روابط عادی دیپلماتیک و اقتصادی با کشورهای سرمایه داری (سالهای ۱۹۲۴ - ۱۹۲۵) ، مبارزه علیه

تشکیل جبهه واحد ضد شوروی (سالهای ۱۹۲۵ - ۱۹۳۲) ، مبارزه برای ایجاد سیستم امنیت جمعی ( سالهای ۱۹۳۳ - ۱۹۳۹ ) مهمترین مراحل

دیپلماسی شوروی را در دوران قبل از دومین جنگ جهانی تشکیل میدهد. در نتیجه اجراء پیگیرانه اصل لنینی همزیستی مسالمت آمیز دولت شوروی موفق شد برای کار زحمتکشانش شوروی شرایط

خارجی مساعدی فراهم سازد ، اقتصاد ملی را که در نتیجه جنگهای داخلی از هم پاشیده بود احیاء کند، سیاست لنینی صنعتی کردن کشور و کلکتیویزا

سیون کشاورزی را که به پیروزی سوسیالیسم منجر شد اجرا نماید. تدریجی نیست که بدین این مقدمات شکست دادن تجاوز کاران فاشیست در جنگ دوم جهانی تصور ناپذیر بود.

از هنگامیکه اردو های هیتلری راهزانه به اتحاد شوروی حمله بردند تا پایان دومین جنگ جهانی سیاست خارجی دولت شوروی در جهت تحکیم و توسعه اقتصاد ضد فاشیستی و تسریع شکست دولتهای فاشیست بود. موضع محکم و اصولی دولت شوروی طی کنفرانس های تاریخی تهران

(۱۹۴۳) ، یالتا (۱۹۴۵) ، پتسدام (۱۹۴۵) موجبات خاتمه پیروزمندانه جنگ را فراهم ساخت و بطور عمده مسیر حیات بین المللی دنیای پس از جنگ را مشخص نمود.

در نتیجه شکست دولتهای فاشیستی تحولات انقلابی شگرفی نخست در کشورهای اروپای شرقی سپس در آسیا و بالاخره در کوبا انجام گرفت

سوسیالیسم به سیستم جهانی مبدل گردید ، جنبش کارگری در کشورهای سرمایه داری رونق یافت و نهضت ضد استعماری در کشورهای مستعمره و وابسته اوج گرفت. در نتیجه این تحولات بویژه

در اثر تشکیل جامعه کشورهای سوسیالیستی که بیشک بارز ترین رویداد دوران ساز پس از جنگ

است تناسب نیروها در عرصه جهان بسود سوسیالیسم تغییر یافت. اینک در مبارزه بخاطر صلح، دموکراسی و علیه سیاست تجاوز کارانه امپریالیسم ، اتحاد شوروی تنها نیست بلکه در این امر حیاتی کشور های سوسیالیستی دیگر با دولت شوروی همگامند.

تجربه نشان میدهد که در مبارزه علیه امپریالیسم که هنوز با ایجاد جنگ جهانی سوم امید بسته است همبستگی و وحدت کشورهای سوسیالیستی اهمیت اساسی دارد. بدین سبب تقویت دوستی و همکاری برادرانه بین همه کشورهای سوسیالیستی یکی از ارکان اساسی سیاست کنونی دولت اتحاد شوروی بشمار میآید.

اتحاد برادرانه با مردم کشورهای در حال رشد یکی از اصول بنیادی سیاست خارجی حزب کمونیست و دولت شوروی را تشکیل میدهد. حزب کمونیست اتحاد شوروی کمک به مللی را که در راه احراز و تقویت استقلال ملی به پیش میروند و کمک بتمام ملل مبارز در راه محو کامل سیستم استعمار را وظیفه اترناسیونالیستی خود میشمرد.

این اصل لنینی که در برنامه حزب کمونیست شوروی قید شده است در زمینه مناسبات با کشورهای اتحاد شوروی بوده است. دولت شوروی نخستین

دولت معظم بود که با کشورهای وابسته چین ، افغانستان ، ایران و ترکیه بر اساس برابری و مراعات کامل استقلال این کشورها در نخستین

سالهای پس از انقلاب اکتبر پیمانهای منعقد کرد. کمکهای دولت جوان شوروی ب مردم کشورهای ترکیه و افغانستان در مبارزه استقلال طلبانه آنان امکان داد تا در مقابل فشار امپریالیسم مقاومت

ورزند. در دوران پس از جنگ دوم جهانی کمک اتحاد شوروی به کشورهای نواستقلال و در راه رشد موارد فراوانی دارد که شمارش همه آنها

در این مقاله نمیگنجد. سیاست پشتیبانی از کشورهای رشد یافته باشکال گوناگون نظاهر میکند ، پشتیبانی دیپلماتیک ، کمک اقتصادی ، مبادلات فرهنگی و تربیت کادر های ملی ، کمک نظامی و

در شرایط معین ایران آمادگی برای کمک مستقیم نظامی وجود گوناگون پشتیبانی اتحاد شوروی از کشورهای رشد یافته را تشکیل میدهد. عمل و فعالیت دولت شوروی در صحنه جهانی خلقها را به

نیروی خویش مطمئن ساخته افسانه قدر قدرتی امپریالیسم را نقش بر آب کرده است. اکنون دیگر برای همه معلوم است که وجود اتحاد شوروی حتی هم اگر کشور رشد یافته بآن روابطی برقرار نکرده باشد برای این کشور در مقابل امپریالیسم

تکیه گاه مطمئن بشمار می رود و بطور عینی استقلال کشور را تحکیم میکند. اکنون دیگر امپریالیستها نمیتوانند در اقدامات خود علیه کشورهای آسیا ،

افریقا و امریکای لاتین موضع اتحاد شوروی را بحساب نیاورند. اگر بخواهیم بیلان مجملی از حوادث سالهای

پس از جنگ تنظیم کنیم در همان حال که تشکیل جامعه کشورهای سوسیالیستی ، کامیابیهای انسان ناپذیر دیپلماسی سوسیالیستی و رونق بیسابقه جنبش

آزادبخش ملی را در نظر میگیریم نمیتوانیم پیدایش سلاح اتمی و هسته ای را که در دست امپریالیستها

از پیش جبهه صلح و دموکراسی و سوسیالیسم خواهد شد. از هر طریق که میروانید به مجاهدان استقلال طلب و آزادی پرست و بیست و هشتاد سالگی و معنوی برسائید!

کارگران و زحمتکشانش ایران!

مسئله مرکزی در مبارزات مردم در شرایط کنونی مبارزه در راه دموکراسی یعنی مبارزه در راه آزادی احزاب و سندیکها و مطبوعات و انتخابات ، نفو عمومی کلمه محکومین سیاسی ، تأمین بازگشت آزادانه کلمه پناهندگان سیاسی به میهن است. در صورت وجود این آزادیها مردم ایران میتوانند اراده خود را جلوه گر سازند و جامعه را با اهتک سرعت کافی بطرف جلو ببرند. مبارزه در راه دموکراسی پلتمبارزه عمومی مردم است و طبقه کارگر باید در این مبارزه عمومی مردم نقش شایسته خویشرا ایفاء کند.

کارگران و زحمتکشانش ایران!

یکی از توجیه های دائمی حزب ما است که کارگران در سندیکهای موجود شرکت جویند و بکشند تا این سندیکها را بصرفه جدی مبارزات صنفی مبدل نمایند. باید مبارزه کرد تا در داخل این سندیکها رسم انتخابات آزاد و حقیقی عملی گردد و نمایندگان حقیقی کارگران بررأس سندیکها و شوراهای کارگری جای گیرند و تمایلات و خواست واقعی کارگران را منعکس سازند. در عین حال کارگران با استفاده از شرایط خواهند کوشید تا سندیکهای خود را هر جا که چنین سازمانی وجود ندارد ایجاد کنند. وظیفه آگاه ترین افراد کارگر آنست که شیوهها و اشکال صحیح کار سندیکائی را بیابند و از همه امکانات قانونی و عملی برای بسط مبارزات صنفی و مطالباتی استفاده کنند. باید در راه تجمع سندیکها و ایجاد فدراسیونها

وسيله امحاء دسته جمعی توده های مردم و تمدن ملتهاست از نظر دور داریم و تأثیر آنرا در سیاست بین المللی بحساب نیاوریم. با توجه به مجموعه این عوامل است که اتحاد شوروی بخاطر حفظ صلح جهانی و بر طرف کردن خطر جنگ هسته ای پیگیرانه تلاش میکند.

در شرایط کنونی هدف سیاست خارجی اتحاد شوروی این است که ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم را در شرایط صلح تأمین کند ، وحدت، دوستی و برادری کشورهای سوسیالیستی را تقویت نماید ، از جنبشهای رهائی بخش ملی پشتیبانی کند، همبستگی و همکاری با کشورهای مستقل آسیا ،

افریقا ، امریکای لاتین را گسترش دهد. اصول همزیستی مسالمت آمیز با کشورهای سرمایه داری را تثبیت نماید و بشریت را از خطر جنگ جهانی سوم هسته ای رهائی بخشد.

همه اقدامات اتحاد شوروی در صحنه جهان، خصلت فصال دیپلماسی شوروی ، وفاداری آن به اصول، پیگیری آن در برخورد خلاق بمسائل مهم زمان حاضر و نرمش در عمل همه و همه برای آنست که ساختمان کمونیسم با موفقیت سرانجام یابد ، زیرا موفقیت در این امر پشتوانه عمده اعتبار نظیم و اثر بخشی سیاست خارجی اتحاد شوروی در صحنه جهانیست.

اینک نیمقرن است که اتحاد شوروی پیگیرانه صلح و دوستی بین خلقها را محور سیاست خارجی خود قرار داده است. این سیاست بشهادت تاریخ نتایج درخشانی بیار آورده است. آیدتولوژی مارکسیستی - لنینیستی ، بشر دوستی سوسیالیستی ، کامیابی روز افزون دموکراسی سوسیالیستی ، افکار صلح و دوستی بین خلقها که ازگان سیاست خارجی دولت شوروی را تشکیل میدهد توجه و علاقه

روز افزون توده های مردم را در سراسر جهان جلب میکند وموجبات تحکیم همه نیروهای ترقیخواه

پیام نامه مرکزی حزب توده ایران بمناسبت اول ماه مه

و کنفرانسهای کارگری مبارزه کرد تا زندگی سندیکائی بطور بیچ جا و اهمیت را در جامعه ما کسب نماید.

کارگران و زحمتکشانش ایران!

در راه حقوق حقه صنفی و کارگری خود مبارزه کنید. اصلاح و اجراء قانون کار و سازمان بینه های اجتماعی و تعمیم آنرا با شرکت مستقیم نمایندگان منتخب کارگران و کارگاهها و کارخانه های سراسر کشور بشوایید و در راه صنعتی شدن کشور و بسط تولید داخلی مبارزه نمائید. برای تعیین حداقل دستمزد با توجه بشخص هزینه زندگی ، برای شناختن کمال و عملی حق اعتصاب که سلاح مؤثر طبقه کارگر است برای اولین آوزدن واقعی ساعات کار تا حدودی که در قانون کار و قوانین بین المللی ذکر شده است ، برای اجراء قانون مرخصی سالانه و تعطیلات با استفاده از حقوق مبارزه کنید. جنبش همبستگی را برای دفاع از حقوق هم سفنان و بیمکاران بسط دهید و با اختراجهای فردی و جمعی کارگران مبارزه نمائید. در مبارزه متناس مردم علیه استعمار واستبداد شرکت جویند و با سازمان از هر بهاره بیاری رسانید.

بزرگان نبرد مقدس کارگران ایران!

زینده بناد حزب توده ایران - حزب طبقه کارگر ایران!

فرخنده باد جشن اول ماه مه - جشن همبستگی کارگران جهان!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱

### روشی که بزبان جنبش دانشجویان ایرانست

سازمان دانشجویان دانشگاه تهران که هدفی جز حفظ حیثیت جنبش دانشجویان ایرانی در بزرگترین مجمع بین‌المللی، مصالح عالی این جنبش و اتحاد نیروهای مختلف در این جنبش نداشت - توجهی نکردند و یکی از مواد اصلی طرح قطعنامه خود را در باره ایران به محکوم کردن، اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی اختصاص دادند.

طبق قطعنامه کنفرانس برای طرح و پیشنهاد یک قطعنامه، صرف نظر از پیشنهاد دهنده - حداقل یک عضو دیگر اتحادیه بین‌المللی باید از قطعنامه پشتیبانی کند. نمایندگان کنفرانس این نخست‌کوشندگان موافقت نمادی از نمایندگان کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکایی لاتین را برای امضای این قطعنامه جابج کردند. ولی این کوشش با شکست مواجه شد زیرا حتی یک هیئت نمایندگی از این سه قاره حاضر به امضاء این قطعنامه که جنبه ضد شوروی آن آشکار بود، نشد. بناچار هیئت نمایندگی کنفرانس این به کشور های لاتین اروپایی رو آورد. ولی از این کشور ها هم فقط یک هیئت نمایندگی، یعنی هیئت نمایندگی فرانسه که روش ضد شوروی آن در تمام طول کنفرانس آشکار بود، حاضر به امضاء این قطعنامه شد.

یکم طرح قطعنامه نمایندگان سازمان دانشجویان دانش - تهران اجازه صحبت خواستند. ولی نمایندگان کنفرانس دانشجویان ایران در روشی خشن و بی‌پایانه اینک گویا دیگر این نمایندگان حق صحبت ندارند از صحبت آنها جلوگیری کردند. نمایندگان کنفرانس این در پاسخ اظهارات مستدل و منطقی نمایندگان اتحاد شوروی و ایران در مورد روابط ایران با کشورهای سوسیالیستی به ایراد نفق پر از اتهام و دشنام بر ضد کشورهای سوسیالیستی دست زدند. سرانجام این گرفته شد و پیشنهاد اتحاد شوروی برای اصلاح قطعنامه تصویب گردید. مخالفان فقط نمایندگان کنفرانس و فرانسه یعنی طراحان اصلی قطعنامه بودند. در این موقع نمایندگان کنفرانس این تمام قطعنامه را پس گرفتند.

### مضربه ای که به اعتبار و حیثیت جنبش دانشجویان ایرانی وارد آمد

هنگامی که عضویت کنفرانس این در اتحادیه تصویب شد، نماینده کنفرانس این گفت که ما سنت سازمان دانشجویان دانشگاه تهران (توسو) را ادامه خواهیم داد. ولی متأسفانه مدت زیادی نگذشت که آشکارا طرز خشبی این سنت زیر پا گذاشته شد. سنت توسو، این بود که در مجمع دانشجویی بزرگه در مسائلی که مورد اختلاف است از روش دمکراتیک بحث و اتخاذ تصمیم بگیری کنند. ولی جلوگیری از صحبت نمایندگان توسو، درباره قطعنامه ایران یعنی کسانیکه بیش از ۱۵ سال از نهضت دانشجویان ایرانی با صداقت، فداکاری و بی‌گنجه دفاع کرده‌اند آثم در مسائلی که در نهضت دانشجویان ایرانی مورد اختلاف جدی است و با آن خشونت، بهر دلیل و بهانه ای که باشد، صحبت از فسخ اصول دمکراتیک میکند. مسأله عضویت کنفرانس این که حل شده بود، پس چه اتفاقی می‌افتاد اگر نمایندگان توسو، در این باره صحبت میکردند؟ این روش غیر دمکراتیک و غیر دوستانه این فکر را بوجود می‌آورد که نمایندگان کنفرانس این باک داشته‌اند؟ باک داشتند که موضع ضعیف آنها با صحبت نمایندگان توسو، باز هم ضعیف تر شود؟

سنت توسو، این بود که با همه نهضت های متفرقی دانشجویی و قبل از همه و بیش از همه با دانشجویان کشور های سوسیالیستی بهترین روابط دوستانه را داشته باشد. نمایندگان کنفرانس این با پیشنهاد محکوم کردن، کشورهای سوسیالیستی به این مناسبات لطمه زدند و بجای آنکه با کشورهای سوسیالیستی در با صف بر ضد امپریالیسم دشمن مشترک همه خلفا قرار گیرند، در مقابل آنها ایستادند.

سنت توسو، این بود که با کوشش و فعالیت خود بتواند پشتیبانی و همبستگی جنبش دانشجویان جهان را از مبارزه عادلانه مردم و دانشجویان ایران در راه استقلال، آزادی و عدالت جلب کند. نمایندگان کنفرانس این با طرح قطعنامه خود بر ضد کشور های سوسیالیستی نخستین نشانه تردید را در

بقیه از صفحه ۱

### کودتای موناکو فاشیستی در یونان

نشانه رشد جنبش ملی و آزادیخواهانه خلق یونان بود که پس از پایان جنگهای داخلی بار دیگر سرراست میگرد و به پیش میرفت از همان موقع دستگاه جاسوسی آمریکا (سیا) و فرماندهی ناتو در جنوب خاوری اروپا کستانین شاه یونان و حزب ارتجاعی راست به تنظیم نقشه توطئه‌های دست زدند و به تهیه مقدمات کودتای نظامی پرداختند. اعلام تجدید انتخابات در ۲۸ ماه مه ۱۹۶۷ که نوید پیروزی قطعی ترقی و پیشرفت را بر ارتجاع میداد اجرای کودتای نظامی را در برنامه روز توطئه گران قرارداد و ارتش به عنوان آخرین وسیله باقوه قهریه دست بکار شد. بدینست در اینجا موضع ارتش یونان که جزئی از نیروی نظامی سازمان آتلانتیک شمالی است اشاره کنیم ارتش یونان مرکب از ۱۶۰۰۰ نفر است که باید تعداد ۲۰۰۰۰ نفر نیروی مرزبانی را بدان افزود. این ارتش به علاوه واداروری و پابیس میراث تکامل یافته ارتشی است که بکدام

بین عده زیادی از نمایندگان کنفرانس اتحادیه، درباره ماهیت جنبش دانشجویی در ایران وجود آوردند.

### نتیجه چه شد؟

همه اینها این نتیجه را ببار آورد که اولاً برای نخستین بار در کنفرانس اتحادیه بین‌المللی دانشجویان قطعنامه‌ای درباره ایران صادر نشد. یعنی همبستگی بزرگترین سازمان دانشجویی در جهان با مردم و دانشجویان ایران در کنفرانس آن اعلام نگردید. و کسانیکه که گویا فرمان مبارز شاه و امپریالیسم اند چون نتوانستند از کنفرانس دست‌محکومیت، کشورهای سوسیالیستی را بگیرند به آسانی از محکوم ساختن شاه و امپریالیسم صرف نظر کردند. ثانیاً مناسبت دوستانه جنبش دانشجویان ایرانی با جنبش دانشجویان در کشورهای سوسیالیستی و بسیاری دیگر از سازمان های متفرقی دانشجویی خسته دار شد. ثالثاً مجموعه روش نمایندگان کنفرانس این در همان آغاز عضویت در اتحادیه، اثر نامطلوبی در نمایندگان کنفرانس باقی گذاشت و به حریت و اعتبار جنبش دانشجویان ایرانی لطمه وارد ساخت. رابعاً این نتیجه‌ای است که نمایندگان کنفرانس این کمتر از همه انتظار داشتند و میباشد برای هر فردی حسن نیت و واقع بین غیرت‌انگیز باشد معلوم شد که سیاست ضد شوروی محکوم به شکست است و اتخاذ و ادامه این سیاست سرانجام به افراد کامل مجربان آن منجر خواهد شد.

### سیاست ضد شوروی به زبان جنبش دانشجویی است

تجربه جدیدی، که از کنفرانس هم اتحادیه بین‌المللی دانشجویان بدست آمد آشکارا نشان داد که سیاست ضد شوروی که از طرف گروهی آگاهانه یا نا آگاهانه در جنبش دانشجویان ایرانی آفتاب میشود تا چه حد زیان آور است.

معلوم نیست کسانیکه تمام کار های مهم و اساسی را در سازمان های دانشجویان ایرانی گذرانده‌اند و تنها نقشه و هدفشان اینستکه در هر جا که در سمینار و در هر کنفرانس حد اقل یک یا یک نطق ضد شوروی ایراد شود و یا یک قطعنامه ضد شوروی تصویب برسد چه فکر میکنند؟ مگر نه اینستکه سیاست ضد شوروی در جهت سیاست امپریالیستیها و در رأس آنها امپریالیستیهای آمریکائی است که بوسیله سازمانهای جاسوسی خود، حتی با قبول حمله بخود، برای اینکار پول هم میدهند؟ مگر نه اینستکه سیاست ضد شوروی به تشدید اختلاف در جنبش دانشجویی بین نیرو های مختلف منجر شده است؟ مگر نه اینستکه سیاست ضد شوروی جنبش دانشجویان ایرانی را از پشتیبانی و همبستگی سازمانهای متفرقی دانشجویی محروم میسازد؟ پس چرا باز هم گروهی با خصومت و فعالیت بیسابقه‌ای در این راه گام بر میدارند؟ سؤالی که در برابر همه دانشجویان و همه نیرو های ملی و دمکراتیک قرار گرفته همین است. ما متقدمیم که اکثریت این کسان دچار گمراهی ناشی از چپ روی شده‌اند. بهین جهت است که با خونسردی و حوصله عواقب این روش را گوشزد میکنیم و بهمه کسانیکه دارای حسن نیت هستند هشدار میدهم که نگذارند بنام جنبش دانشجویان ایرانی سیاستی دنبال شود که زیان آن قبل از همه و مستقیماً به جنبش دانشجویان ایرانی وارد میگردد. ولی تکامل حوادث نشان میدهد که متأسفانه کسان

نیرو های انگلیس در جنگهای داخلی جنبش مسلح ملی خلق یونان را پس از شکست فاشیسم سرکوب کرد و پایه تخت سلطنت را بردوش مات یونان استوار نمود. و بنسبت چریل بهات احتیاجی که برای سرکوب جنبش ملی به افسران یونانی همکار هیتلر داشت، مانع از آن شد که ارتش و سازمانهای تأمین یونان از عناصر فاشیستی تصفیه گردد. این عناصر بجای خود ماندند و اینک مواضع حساسی را در ارتش یونان در دست دارند. بدین ترتیب کودتای یونان، کودتایی متراکوم فاشیستی است که همراه با امپریالیسم علیه خلق یونان انجام گرفته است.

### اقدامات حکومت

### موناکو فاشیستی

حکومت کودتا که بر رأس آن داستان دیوان کشور به عنوان وسیله استوار وزیری نظامی قرار گرفته پس از معرفی پشاه و اجرای مراسم، سوگند تمام ارگانهای دمکراتیک را از پارلمان گرفته تا سازمانهای احزاب و روزنامه های ملی و سندیکا های کارگری منحل کرده، به تصفیه دانه داری در ارتش و سازمان های انتظامی پرداخته و با اعلام حکومت نظامی در سراسر کشور هر گونه اجتماعی را ممنوع کرده است. عوامل کودتا هم اکنون مشغول جمع آوری و یا بهتر بگوئیم جعل سند علیه شخصیت های سیاسی زندانی از جمله آئی‌اس‌دی و سایرین هستند و مقدمات یکسلسله محاکمات و بدنبال آنها ارتکاب جنایات را فراهم میکنند. سخنگوی رسمی این دولت در اولین مصاحبه خود باروزنامه انگاران اظهار داشته که چون بمناسبت انتخابات پانزدهم اعلام میتینگ و تظاهراتی را کرده بود که محل نظم میشد و اوضاع را برهم میزد لذا برای پیشگیری از هر پیش آمدنی اقدام و دخالت ارتش ضرور بود. پس از چند روز محافل کودتا مدعی شدند که حاضر چپ قصد قیام و انقلاب داشته‌اند و حکومت به اسنادی دست یافته که آنها را منتشر خواهد کرد. نطق آخرین اخبار، حکومت کودتا بر پانزدهم فوراً به خیانت علیه مصالح عالی کشور (!) منتهی و بدادگاه نظامی جلب کرده است. حکومت کودتا در اعلامیه های رسمی میگوید که چپ و راست و میانه وجود ندارد. تمام مردم یونان، یونانی هستند و احزاب مختلف اصلاً معنی و مفهومی ندارد و بدین ترتیب وجود طبقات و احزاب را نفی می‌کند. حکومت کودتا اعلام داشته است که قانون اساسی را تغییر خواهد داد و باتمام این احوال مدعی است که دموکراسی در یونان باقی خواهد ماند. طی اعلامیه ای هر نوع سازمانی که متعلق بچونان باشد منحل است زیرا بقصد کودتای چپان نباید در سیاست دخالت کند! از جهات بسیاری کودتای یونان شبیه به کودتای ۲۸ مرداد کشور است. عوامل کودتا تقریباً همانهای هستند که حکومت دکتر مصدق را ساقط کردند: ارتجاع، امپریالیسم و شاه بکمال ارتش. سپاهیان را بر که اینک زندانبانی شده است نظیر آقای دکتر مصدق دارای شخصیت برجسته ای است که آنرا در نهبه مبارزه علیه حزب دست راست و اقدامات ارتجاعی حکومتی یونان بدست آورده است.

### واکش شدید سازمانها

### کشورها و مردم دموکرات

کودتای موناکو فاشیستی در یونان واکش شدید وسیعی را در تمام جهان برانگیخت. تظاهرات وسیعی در تمام کشورهای اروپا علیه کودتا و اقدامات ضد انسانی آن انجام گرفت. در این تظاهرات یونانیان خارج از کشور، کمونیست ها سوسیالیست ها و حتی دموکراتهای مسیحی و سایرانی از نویسندگان و هنرمندان و شخصیت های علمی و فرهنگی شرکت جستند جلسه هم آگاهانه و تحت شعار های چپ روانه و چپ نما این سیاست زبان بخش را در پیش گرفته‌اند.

نتیجه اینکه مبارزه بر ضد این سیاست زبان بخش بهمین اندازه که لازم است بترتیب نیز هست. در همانحال ما اطمینان داریم که در جنبش دانشجویان ایرانی به اندازه کافی نیرو هست تا بتواند بر این گمراهی ها و کج رویها غلبه کند و سنت درخشان جنبش دانشجویان ایرانی را که یکی از ارکان آن دوستی با سازمانهای دانشجویی کشورهای سوسیالیستی و قبل از همه با همسایه بزرگ ما اتحاد شوروی است، ادامه دهد. م انوشه

احزاب کمونیستی و کارگری اروپا که در کاراوری در چکسلواکی برای مسئله امنیت اروپا جمع شده بودند نسبت به مردم یونان ابراز همدردی و نسبت به کودتای یونان اعتراض شدید کرد. در اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی تظاهرات وسیعی علیه کودتای یونان با ابراز همدردی مردم یونان بعمل آمد. سازمانهای کارگری فرانسه، ازجمله بین‌المللی حقوقدانان دموکرات، حزب لیبرال انگلستان، دانشجویان و یونانیان خارج از کشور در تمام کشورهای اروپای کودتا را محکوم و باشکال مختلف همدردی خود را نسبت به مردم یونان ابراز داشتند. در کپنهاگ، در سوئد، در هلند، در ترکیه، در جمهوری متحده عرب جوانه و محافل سیاسی کودتا را محکوم کردند و صد ها تلگرام اعتراض به کستانین شاه یونان مخابره گردید. در یک کلام در اروپا از شرق تا غرب کودتای نظامی محکوم شد. مبارزه برای نجات چنان قهرمان ملی یونان مانولیس گلمزوس شدت آغاز گردیده و ادامه دارد. در کشورهای خارج از قاره اروپا نیز کودتای یونان واکش شدیدی علیه امپریالیسم آمریکا و حکومت کودتا و شاه یونان بوجود آورد. این جس همدردی وسیع که تمام جهان را در بر گرفته و سیای از نفرت و ازجانب جنب امپریالیست های آمریکائی و حکومت موناکو فاشیستی روانه کرده، رشد نیرو های متفرقی و همبستگی آنها را در حال حاضر نشان میدهد. تأثیر این جنبش جهانی اقتدر نیرومند است که حکومت کودتا و شاه یونان را در بن بست قرار داده است. باین دلیل است که شاه یونان برای حفظ موقعیت خود اعلام داشته که دموکراسی بار دیگر در یونان برقرار خواهد شد (!) ولی همه میدانند که این وعده را برای کاری و عملی چیزی نمیتوانند نیست. خفه کردن دموکراسی و سپس وند دموکراسی دادن متحد کلاسیک و کپهاست که مکرر از جانب ارتجاع، امپریالیسم و شاهان دست نشانده آنها بکار رفته است. مردم یونان دارای سنت کهن دموکراسی هستند و بدان خو گرفته‌اند. آنها را نمیتوان فریفت. مسامحت که مبارزه مردم یونان برای احیای دمکراسی، ترقی و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و علیه توطئه ضد ملی امپریالیسم آمریکا با شدت و جدت، پیشروی ادامه خواهد یافت و بیاری جنبش نیرومند دفاع از مردم یونان که بفرز بیسابقه‌ای در جهان بوجود آمده دیر یا زود به نتیجه خواهد رسید. حزب ما و مردم ایران که دموم تاخ این نوع توطئه‌ها را چشیده و هم اکنون نیز از هرگونه آزادی محروماند همدردی همه‌جمله خود را با خلق یونان ابراز مینماید. ما از تمام سازمانهای متفرقی ملی و مبارزان راه آزادی درخواست میکنیم که با ارسال نامه‌های اعتراض بشاه یونان و حکومت کودتا و در هر جا که ممکن باشد با شرکت در تظاهرات ضد کودتای یونان همبستگی خود را بخلق یونان نشان دهند. ارتجاع و امپریالیسم بخصوص امپریالیسم آمریکا در مقابل رشد سریع نیرو های متفرقی جهان در حال عقب نشینی برای نجات خویش هر جا که بتوانند بحمله متقابله با بکار بردن وحشیانه ترین متنها میباززند. باید باین تجاوزات با بانک متحد اعتراض جواب داد و این حمله‌ها را در هم شکست.

زندهداد مبارزه مردم یونان برای آزادی دموکراسی و استقلال ملی! ناپردید ارتجاع، امپریالیسم آمریکا و شاه یونان! گویا

بقیه از صفحه ۲

### توسعه روابط اقتصادی ایران

### با کشورهای سوسیالیستی

کشور های سوسیالیستی همیشه آماده توسعه روابط بازرگانی و همکاری اقتصادی با ایران بوده‌اند. لذا اگر دامنه این روابط هنوز در تیمان با امکانات واقعی بسیار محدود است و در نتیجه آن تضییع امپریالیستی همچنان تساهل خود را بر شوق حیاتی اقتصادی ایران حفظ کرده‌اند گناه آن و مسؤولیت عظیم آن فقط و فقط بگردن زمامداران کذونی ایران است که حفظ پیوند با نهضت‌ها، غارتگر و مجادل امپریالیستی آمریکا و انگلیس را بر مصالح حیاتی مردم ایران ترجیح میدهند. مصالح حیاتی ایران بر تزاری روابط اقتصادی و بازرگانی مبتنی بر برابری حقوق و رعایت منافع متقابل با کلیه کشورهای سرمایه داری را ایجاب میکند. پ. پیکار

# بهار زندان

بوی گل میآید از آواز مرغان بهاری ،  
خیز زندانیان خدا را  
روزی بگشا بصعرا ،  
تا برم سوی افق ها چون عقاب کوهساری .  
ای پرستو ،  
از چه بر دیوار زندان لانه کردی ؟  
و نه که با پرواز آزادت مرا دیوانه کردی ...  
با چنین تاریکی روزان و تنهایی شبها ،  
با چنین چشم انتظاری ،  
ای پر-تو — بیک صحرای روشن ،  
کی بکام ما برآید گل بگلشن ؟

ژاله  
۱۹ توبه ۱۹۶۷

## بیش از ۲۰۰۰۰ نفر زندانی!

روزنامه اطلاعات در تاریخ ۲۴ فروردین امسال خبری بشرح زیر درج نمود: «بناسبت برگزاری مراسم تأجگذاری شاهنشاه آریا مهر ، بیش از ۲۰۰۰۰ نفر زندانیان محکوم در سراسر کشور ، از مزایای عفو که باین مناسبت اعطاء خواهد شد برخوردار خواهند شد و از مدت محکومیت کلیه زندانیان و مبلغ غرامت که باید از جهت محکومیت بردارند تا میزان یک چهارم کم خواهد شد.» اطلاعات میافزاید: «در حال حاضر بیش از ۲۰۰۰۰ نفر محکوم در زندانهای سراسر کشور زندانی هستند.»

انتشار این خبر از آنجهت شایان توجه بود که روزنامه نیمه رسمی اطلاعات صریحاً اعتراف کرده بود که تعداد زندانیان از بیست هزار هم متجاوز است. این خبر که ظاهراً از سانسور چند درجه ای بیخوی سالم بیرون جسته بود پس از انتشار موجب نارضایتی شد و عیاس مسمومی با ژست «تصحیح اشتباه» و «ابراز تأسف» بمیدان آمد و کاسه و کوزه را بر سر بیچاره خیرنگار قضائی شکست. سه روز بعد اطلاعات با دستیابی نوشت: «طبق اطلاع که بدست آورده ایم معلوم شد که خیرنگار ما متأسفانه این خبر را از منبع صحیح و موثقی بدست نیآورده و در کیفیت و رقم آن بخصوص دچار اشتباه شد و خبر اصولاً بدینصورت صحیح بوده است.» و برای آنکه دیگر خبر نگاری جرأت نکند اخبار صحیحی از این قبیل انتشار دهد خیرنگار قضائی اطلاعات طبق نوشته خود روزنامه «به خاطر قصور و اهمال و سهل انگاری مورد بازخواست قرار گرفت.»

## هموطنان عزیز! رفقای حزبی!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پات ایران ، ماهنامه مردم ، مجله دنیا و منجمله مسائل بین‌المللی مناسبت کنید. نظریات ، انتقادات و پیشنهاد های خود را باین مجله رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 4176

Stockholm 4  
Sweden

# پیوند مشیت ها و دل ها

(خطابی به رزمندگان یونان)

پیوند ما با شما لشکر کشانی نیستند که گاه معبد «ارگ» و گاه کلخ «آبادانا» را فروسوختند. پیوند ما با شما زرتشت است که زان آتش را به هر اقلیت آموخت. ارسطو است که ارغون خرد را به این سینا داد و همرو فردوسی که سراینندگان حماسه عشق و قهرمانیند. «آکروپولیس» و «پرسوپولیس» هزاران سال است خموش ایستاده اند و در گرد آنها فاجعه ما و شما میگردد.

چه بسیار چیزها در وطن شما و وطن ما ، در جنبش شما و جنبش ما همانند است: دیروز با شما در بردگی با بردگی میزدیم و امروز شما — نخستین آموزگاران دموکراسی و منطق و ما پرشورترین نمایان مهر و دوستی با یارن در سبزه و استبداد دست بگریبانیم.

گازوس شما و روزبه ما ، پاپاندره نوری شما و مصدق ما ، در بار شما و در بار ما — آری همکاری گلوله ها و سرودهاست و همگامی صفوف انبوه شهدان! و ما با شما نه تنها در عذاب وطن ، بلکه در اندوه غربت نیز شریکیم. هماهنگی ما در طین تاریخ اندک نیست ، از گذشته دور دست تا اکنون فرادست. و این پیوندی است مقدس: پیوند مشیتها و دلها!

ا. س.

بقیه از صفحه ۳

## خصلت نیم بند اصلاحات ارضی و تشدید تضاد در روستای ایران

ولی سیمای واقعی روستای ایران حتی از خلال همین روزنامه های زیر سانسور هویداست.

شرکتهای تعاونی روستائی که باید نبض روستا را در دست داشته و مرشد و راهبر دهقانان در تمام مراحل تولید و توزیع و فروش باشند در بسیاری از دهات ایران تشکیل نشده اند و در هر جا هم که تشکیل شده اند به علت عدم توجه دولت و فقدان کمکهای مادی و فنی نتوانسته اند چنان بگریزند. چنین واحدهای بچجانی قادر به ارشاد و امانت بدهقانان نیستند و در نتیجه تولید کشاورزی بدون هدف ، سرد گم و بیمار است. چند نمونه ذکر میکنیم:

سال ۱۳۴۴ تولید بیش از حد پياز و سیب زمینی و صیفی ، فروش آن را دچار اشکال کرد و در نتیجه هزاران تن محصول رنج یکساله دهقانان از بین رفت. این زیان هنگفت موجب شد که سال گذشته دهقانان اکثراً از کشت پياز و سیب زمینی و صیفی خودداری کنند ، نتیجه آن شد که امسال بازار با کمبود محصول پياز و سیب زمینی و گرانتری نرخ آن مواجه گردید. امسال مساعد بودن شرایط خوبی تولید گندم را افزایش داد اما دولت به علت آماده نبودن و فقدان سیلو از خرید غله کشاورزان خودداری نمود. در نتیجه بهای گندم پنجم بیستایه ای ، تنزل یافت و بسیاری از دهقانان گند مکار زیان دیدند.

این ها چند نمونه از تولید بین نشه و فقدان سازماندهی است که مسئولیت مستقیم آن متوجه دولت است. اگر مقدرات مالی دولت بجای آنکه به جیب مالکان سرازیر گردد ، روانه شرکتهای تعاونی روستائی میشد و با کمک همه جانبه مالی و فنی آنرا به واحد های فعالی در جبه تبدیل مینمود بدینترتیب این شرکتهای میتوانستند وظایف خود را در زمینه های مختلف تولید و مصرف و بازاریابی انجام دهند و با کمک دهقانان و راهنمایی آنان از بروز چنین ضایعاتی در کشاورزی جلوگیری کنند. همین بی‌رستی شرکتهای تعاونی و قلت تعداد آنها است که واسطه ها ، دلالها و سلف خرما همچنان بالای جان دهقانانند. در برخی از نواحی ایران دهقانان بر اثر خشکسالی مجبور به

# پاسخ کمیته مرکزی

## حزب کمونیست فرانسه

به پیام حزب توده ایران

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز!

از پیام محبت آمیزی که حزب شما بمناسبت توفیق حزب ما ، همراه با پیشرفت عمومی نیروهای چپ در انتخابات پارلمانی که در تاریخ ۵ و ۱۲ مارس انجام گرفت فرستاده است صمیمانه تشکر میکنیم. پیام شما برای حزب ما و تمام مبارزان ، تشویقی در مبارزه متحد آنها برای دموکراسی واقعی ، ترقی اجتماعی ، استقلال ملی و صلح بود.

ما در عین حال به پیام شما بمنزله گشود جدیدی در روابط برادرانه ای که احزاب ما را بر اساس اصل انترناسیونالیسم پرولتری بهم پیوند میدهد ، ارج میگذاریم.

رفقای عزیز ، سلامهای برادرانه مرا بفرستید.

گاستون پالیسویه

دیر کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه

# یاد از شهیدان توده ای

روز ۲ اردیبهشت سال ۱۳۳۷ رفقا آرسن اوانسیان و هوشنگ پور رضوانی

بفرمان شاه شربت شهادت نوشیدند. دو سال بعد یعنی روز ۱۴ اردیبهشت سال ۱۳۳۹ رفقا علی عظیم زاده ، خسرو جهانان آذری ، جواد فروغی ، حسن زهتاب و ایوب کلانتری اعضاء وفادار حزب ما بگناه مهین پرستی تبرارن شدند. ما بخاطر تاناک این رفقا درود میفرستیم و اطمینان داریم که این خونها عبث به زمین ریخته نشده ، دیر یا زود ملت ایران راه خود را بسوی آزادی و عدالت خواهد گشود.

را که شاه و دولتهای وی به تأمین منافع مالکان و جنب و جویات آنان نشانت داده اند به بهبود زندگی دهقانان ، زمیندار کردن آنان و رونق بخشیدن به واحد های دهقانی نشان داده بودند ، کشاورزی وضع بهتری داشت. تا زمانی که در روستای (بزرگ) مالکی وجود دارد یعنی تا وقتی که اقلیتی بیروتمند بر میلیونها هکتار اراضی حاصلخیز کشور چنگالداخته است و بنام اراضی مکانیزه ، باغات ، عمران زمینهای پاییز انحصار مالکیت زمین را بخود تخصیص داده است ، روستای ایران روی آرامش نخواهد دید. میلیونها دهقان بی زمین و کم زمین ، دهقانان اجاره دار ، باعصلاح سهامداران واحد های سهامی زرایی ، دهقانانی که پول کلان بنام قیمت زمین میبازارند همچنان به مبارزه خود ادامه خواهند داد زیرا استثمار و بهره کشی با هر تقابلی که ظاهر شود ، برای دهقانان ناشناخته نیست. راه صحیح حل تضاد های روستا و آگذاری بلاعوض تمام زمینهای زراعتی بدهقانان ، توسعه و تقویت همه جانبه شرکتهای تعاونی و تخصیص اعتبارات کافی برای تجهیز فنی و علمی کشاورزی و ایجاد شبکه های آبیاری و کمک و ارشاد دهقانان است ، اعمال هرسایستی جز این ، بزبان طبقات زحمتکش و بزبان مصالح کشور است.

میوه

## تشریح «مسائل بین المللی»

شماره ۱ (۲۵) تشریح مسائل بین المللی ، انتشار یافت. این شماره حاوی مقالاتی است در باره مسائل انقلاب افریقا ، در باره نقش و اهمیت سوسیالیسم در مرحله کنونی ، درباره تفکات متجاوزین امریکائی درونشان. اخباری از جنبش جهانی کارگری و کمونیستی ، انحصاریات کارگری ، مارکسیسم و انقلاب علمی و فنی از مقالات علمی جالبی است که در این شماره درج شده است. مطالعه این شماره را بخوانندگان توصیه میکنیم.

کوچ شده اند و در بعضی از نواحی دیگر بارندگی زیاد محصول غله دهقانان را بهبود داده است. محصول پنبه را گرم خاردار از بیست برد و بوته های چایی و مرکبات را کشته فرمز تهیدید میکند. آفت زنگ محصول غله گرگان را نابود کرده است. علاوه بر همه اینها فئادان راه و تجویزات لازم ، همه ساله بخش مهمی از تولید کشاورزان ایران را از بین میبرد. وزیر کشاورزی خود اعتراف دارد که همه ساله ۴۵ درصد میوه و ۲۵ درصد صیفی و صیفی قبل از اینکه بدست مصرف کننده برسد فاسد شده و از بین میروند ، در عوض ارز میدهند و بساط میوه فروشی ها را با انواع میوه های وارداتی تزیین میکنند. دولت بجای آنکه برای حل این مشکلات اساسی روستا اقدام کند و به کمک دهقانان بشاید سرگرم خوش خدینی بمالکان است. پرداخت قسط زمین ، اجاره بهای سنگین ، حق السهم شرکتهای تعاونی ، بهره وام نفس دهقانان را بریده است در عوض دولت اراضی حاصلخیز و پهناور را در اختیار دواطلبان ، میگذارد ، وامهای چندمیلیون ریالی میدهد. بازرگانان ، مغازه کاران ، کارخانه داران و شرکتهای خارجی و غیره یا به روستای ایران باز کرده اند و با استفاده از اعتبارات کلان دولت و استثمار زحمتکشان ده ثروت خویش را می افزایند. رژیم شاه که اینچنین در برابر این غارتگرانی گشاده دست است در برابر دهقانان مواز ملت میکند. دهقانان مجبورند حتی در املاک مجهول المالك که شماره آنها بقول وزیر کشاورزی بیش از دو میلیون پلاک است اجاره بهای بپردازند و دولت حاضر نیست لا اقل این نوع املاک را مجاناً بدهقانان واگذار کند. دولت مال الاجاره این قبیل املاک را جمع آوری میکند تا وقتی ، متضررترین بلاعارض ، یعنی زمین خواران ، ناصب بوی مراجعه کردند دو دستی تقدیم شان کند. آنوقت چنین رژیم خود را حامی دهقانان مینخواند و متوجه است که مردم باین دروغ بزرگ باور نکنند ، اگر نیشی ازعلاقهائی